



## با یاد دکتر مهدی بیانی و عبدالله فرادی

کتاب مختصر «تذکره الخطاطین» تألیف میرزا محمد صالح بن ابوتراب اصفهانی، در احوال خوش نویسان نستعلیق علی الخصوص معاصران مؤلف است.

میرزا محمد صالح اصفهانی از فحول خوش نویسان نستعلیق زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی است و خطش بی هیچ تردیدی در درجه استادی است. پدرش میرزا ابوتراب اصفهانی معروف به «ترابا» از شاگردان برجسته میرعماد و برادرش نورالدین محمد اصفهانی از خوش نویسان آن زمان بود.

از ترجمه حال میرزا محمد صالح تقریباً چیزی در کتب تذکره و تواریخ مذکور نیست و عمده آگاهی ما از زندگی او محدود است به همین تذکره و کتابه‌ها و قطعاتی که از وی برجای مانده است. از کلام خود مؤلف این طور مستفاد می‌شود که خوش نویسی را از ابتدا نزد پدرش فرا گرفته و علی‌الظاهر تا زمان حیات پدر از شهرت چندانی برخوردار نبوده است.

صاحب تذکره نصرآبادی که خود اهل اصفهان و علاقه‌مند به خوش نویسی بوده و در کتابش به خطاطان شاعر توجه داشته، اسمی از میرزا محمد صالح که طبع شعر هم داشته به میان نیاورده و چون تاریخ شروع تألیف آن تذکره ۱۰۸۳ق است این حدس قوت می‌گیرد که در این ایام محمد صالح چندان به درجه اشتهار نرسیده بود. هم چنین تاریخ اغلب کتابه‌هایی که از وی برابنیه اصفهان باقی مانده از سال‌های دیرتر و مربوط به زمان سلطنت شاه سلطان حسین است. اما پس از فوت پدرش، میرزا ابوتراب، سررشته تعلیم خط نستعلیق در شهر اصفهان در دست وی افتاد و عده کثیری از اطراف برای تعلیم و گرفتن مشق نزد او می‌رفتند.

از بخشی که میرزا محمد صالح اسامی شاگردان خویش را در سه طبقه نوشته، معلوم می‌شود بسیاری از شاگردانش

## تذکره الخطاطین

نوشته محمد صالح بن ابوتراب اصفهانی (د: ۱۱۲۶ق)

به کوشش پژمان فیروزبخش\*

**چکیده:** کتاب کوچک «تذکره الخطاطین» در شرح احوال خوش نویسان و خطاطان اواخر دوره صفویه است. مؤلف آن میرزا محمد صالح اصفهانی (د: ۱۱۲۶ق) فرزند میرزا ابوتراب اصفهانی از خوش نویسان و نستعلیق نویسان برجسته زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی است که کتابه‌های برخی ابنیه اصفهان به خط خوش اوست. پدرش میرزا ابوتراب از شاگردان خاصه میرعماد بود. مؤلف این کتاب را به خواهش دوستان و شاگردان در حدود سنوات ۱۱۱۸ تا ۱۱۲۲ قمری تحریر کرده است.

ارزش و اهمیت این تذکره از چند وجه است:

یکی از حیث اطلاعات اصیل و دست اولی است که میرزا محمد صالح از دانسته‌ها و معلومات خویش نوشته، و اسامی و ترجمه حدود دویست تن از خوش نویسان قرون ۱۱ و ۱۲، خصوصاً نستعلیق نویسان و شاگردان میرعماد را آورده است. دیگر آنکه در سبب قتل میر سخن گفته و از آنجا که پدرش از شاگردان نزدیک میر بود و نیز به سبب قرب عهد، آنچه در این مورد نوشته سندی دست اول محسوب می‌شود.

دیگر، اصطلاحات فراوانی که در باب خوش نویسی و خطاطی به کرات در این تذکره آمده و برای لغویان علاقه‌مند به این فن بسیار درخور توجه است. لازم به توضیح است تألیف کتاب امتحان الفضلاء اثر میرزای سنگلاخ تماماً بر اساس همین تذکره صورت گرفته است و اغلب اطلاعات اصیلش منحصراً به این کتاب است.

مرحوم مهدی بیانی در تألیف کتاب نفیس احوال و آثار خوش نویسان از مجلد سوم که نسخه‌ای از این کتاب به دستش رسیده بود، بسیار از آن استفاده و نقل کرده است. متنی که برای نخستین بار در اینجا به طور کامل به طبع می‌رسد بر اساس نسخه‌ای متأخر (کتابت ۱۳۱۲ش) متعلق به مرحوم عبدالله فرادی، خوش نویس و محقق معاصر (۱۳۰۶ - ۱۳۷۵) است.

**کلید واژه:** خط؛ خوش نویسی؛ خوش نویسان؛ خط نستعلیق؛ صفویه؛ میرزا محمد صالح اصفهانی؛ میرزا ابوتراب اصفهانی؛ میرعماد؛ امتحان الفضلاء؛ میرزا سنگلاخ؛ مهدی بیانی.

\* فرهنگستان زبان و ادب فارسی.



به مراتب عالی‌ه رسیده و خدمات دیوانی داشته‌اند و خود وی نیز با صاحبان مناصب، بزرگان و شعرای آن روزگار مرادیه داشته است. از آن جمله میرزا محمدطاهر وحید قزوینی، از منشیان و مورخان شهیر دوره صفویه از برای وی منشوری در خط نوشته است. مع الوصف چنانچه از کلمات و اشعارش برمی‌آید از روزگار شکایت داشته، اهل هنر و خود را مجهول‌القدر می‌داند.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد محمدصالح طبع شعر داشت و به قول لسان‌الملک سپهر، صاحب تذکره خوش‌نویسان، در شعر «عرفان» تخلص می‌کرد<sup>۱</sup> و نمونه اشعارش در همین تذکره مسطور است.

اما آنچه میرزای سنگلاخ در تذکره خود در شرح احوال این خوش‌نویس نوشته، همچون سایر اقوالش اغلب محل تردید است و تکرار آن در اینجا مفید نخواهد بود. جز این که لقبش را «ملک‌الکتاب» ضبط کرده و محل دفنش را در جوار مزار پدر و برادرش، جنب مسجد لبنان مشخص کرده است.<sup>۲</sup>

مهدی بیانی به استناد قطعه‌ای مورخ ۱۱۰۷ق که شعر و خط هردو از میرزا محمدصالح است، نوشته است که او ظاهراً سفری به آسیای صغیر کرده است.<sup>۳</sup>

تاریخ وفات میرزا محمدصالح اصفهانی آنطور که مهدی بیانی در پشت یک نسخه از تحفه حکیم مؤمن یافته هیجدهم ربیع‌الاول ۱۱۲۶ است<sup>۴</sup> و به احتمال قوی همین تاریخ صحیح است.

محمدصالح را دو فرزند ذکور بود که ظاهراً هیچ‌یک مرتبه‌ای در خوش‌نویسی نداشته‌اند.

از خطوط و قطعات وی اضافه بر آنچه مرحوم بیانی فهرست کرده چیزی به نظر راقم سطور نرسیده است. اما کتابه‌های رقم‌داری که تماماً به خط نستعلیق بر ابنیه اصفهان نگاشته و از او به یادگار مانده بدین قرار است: کتابه سنگ مزار صائب که پنج بیت از غزل صائب است:

در هیچ پرده نیست نباشد نوای تو

عالم پرست از تو و خالی است جای تو

بارقم «تحریر شهر جمیدی‌الاول سنه ۱۰۸۷ فقیر محمدصالح»<sup>۵</sup>. سنگ لوحی مربوط به ساختمان سدی برای مشروب کردن اراضی رود شتین که کنار نهر نیاصرم کمی بالاتر از باغ صائب قرار داشته و هم اکنون به باغ آرامگاه صائب منتقل شده است. بر این سنگ شش بیت به مطلع:

به حکم شاه دین‌پرور سلیمان‌شاه کیوان قدر  
که تعمیر خرابی‌ها به نام او مقدر شد  
و با رقم «راقمه محمدصالح غفرله» آمده و ماده تاریخ شعر «۱۱۰۰» است.<sup>۶</sup>

دیگر کتابه منظوم در اطراف رواق بقعه امامزاده اسماعیل در لوحه‌های کوچک با رقم «کتابه محمدصالح اصفهانی» با ماده تاریخ «۱۱۱۱» که تاریخ تعمیر امامزاده است به سعی ابراهیم بیگ و فرمان شاه سلطان حسین.<sup>۷</sup>

دیگر کتابه دورادور قسمت بالای ایوان کاخ چهل‌ستون، حاوی قصیده نورالدین محمد نجیب کاشانی، ملک الشعرا دربار شاه سلطان حسین، در سی بیت به مطلع:

بحمدالله که باز از نو به اقبال شهنشاهی

مرصع شد زمین و آسمان از ماه تا ماهی

و با رقم «کتابه محمدصالح» و با ماده تاریخ «۱۱۱۸»<sup>۸</sup>. دیگر کتابه‌های مدرسه چهارباغ است، بدین شرح: کتابه اطراف دولنگه در اصلی مدرسه، بر هر لنگه هشت بیت با مطلع‌های:

خدیدو کشور دین کلب آستان علی

گل محمدی گلشن مدینه علم

و

بنای مدرسه‌ای کرد همتش که شوند

در آن قرینه هم اهل بی قرینه علم

ورقمش چنین است: «کتاب الحروف محمدصالح غفر ذنوبه» و ماده تاریخ اشعارش سنه «۱۱۱۹» است.

کتابه اطراف سرسرای مدخل مدرسه حاوی یازده بیت از شاعری به تخلص «افهم» با مطلع:

شاه پیغمبر خصال و نقد شیر ذوالجلال

آفتاب اوج دولت ظل رب المشرقین

و با رقم «کتابه محمدصالح ۱۱۱۹» اما ماده تاریخ اشعارش به حساب جمل «۱۱۲۰» می‌شود.

کتابه بالای مدخل مدرسه حاوی اشعار شاعری متخلص به «زهری» در چهارده بیت به مطلع:

به عهد دولت سلطان حسین شاه جوان

که از عدالت او گشت ملک دین آباد

و با رقم «کتابه محمدصالح ۱۱۱۹» اما ماده تاریخ اشعار سنه «۱۱۱۸» می‌شود. کتابه اطراف سرسرای شمالی در الواح جداگانه در دوازده بیت به مطلع:

ابر عالم‌گیر گوهر قطره بحر کرم

عالم‌آرا آفتاب داد و دین سلطان حسین

<sup>۲</sup> محمدعلی سنگلاخ خراسانی، امتحان الفضلاء (سنگی، تبریز، ۱۲۹۱ق)، ۲: ۲۳، ۳۲.

<sup>۴</sup> همان، ص ۷۷۲.

<sup>۶</sup> همان، ص ۸۱۰. <sup>۷</sup> همان، ص ۷۵۳. <sup>۸</sup> همان، ص ۳۴۲.

<sup>۱</sup> هدایت‌الله لسان‌الملک سپهر، تذکره خوشنویسان (تهران: یساولی، بی‌تا)، ص ۹۸.

<sup>۳</sup> مهدی بیانی، احوال و آثار خوشنویسان (ج ۲، تهران: علمی، ۱۳۶۳)، ۳: ۷۶۷.

<sup>۵</sup> ابوالقاسم رفیعی مهربادی، آثار ملی اصفهان (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲)، ص ۸۰۹.



از خوش‌نویسان دوره صفوی خصوصاً شاگردان بلاواسطه و مع‌الواسطه میر عماد در این کتاب ضبط شده است. کتاب با مقدمه‌ای بسیار کوتاه در سبب تألیف آغاز می‌شود. سپس چند سطر را در تعریف انواع قلم بیان می‌کند که حرف به حرف نقل از کتاب گلستان هنر قاضی احمد قمی است. در همین قسمت، در بیان قلم‌مو محمدصالح می‌نویسد احوال اهل این فن را شاید در موضع خود مذکور کند و از اینجا معلوم می‌شود وی از احوال نقاشان هم عصر خود نیز مطلع بوده است. سپس به ذکر وضع انواع خطوط می‌پردازد و کیفیت وضع اقلام سته، تعلیق، شکسته تعلیق و شکسته نستعلیق و خوش‌نویسان آن را به اختصار می‌آورد. در این بخش نیز از کتاب گلستان هنر استفاده کرده است. سپس ذیل عنوان «طبقه اول» احوال متقدمان خط نستعلیق را ذکر می‌کند. اما از بخش «طبقه ثانی» که با شرح احوال میر عماد شروع می‌شود آنچه می‌نویسد همگی از معلومات شخصی اوست. شاید میان ارباب تذکره و کتب تواریخ بیشترین اطلاعات را درباره احوال میر تا به حال همین محمدصالح نوشته باشد. بعد از این، مؤلف به ذکر تراجم شاگردان میر پرداخته و اسامی چهارده تن از ایشان را آورده است. در این قسمت ذیل ترجمه حال هریک از شاگردان میر، اسامی بعضی از شاگردان آنها را نیز متذکر می‌شود. مؤلف احوال پدرش میرزا ابوتراب اصفهانی را در آخر همین بخش آورده و اسامی حدود سی تن از شاگردان وی را ضبط کرده است. سپس اسامی خوش‌نویسان بعد از میر عماد را که معاصر والدش بودند، شامل هفده تن نوشته است. بعد از این احوال دوازده تن از شاگردان برادرش را متذکر شده است و در آخر این قسمت به ذکر بعضی از شکسته‌نویسان و نسخ‌نویسان عصر خود پرداخته است. بخش بعد مربوط می‌شود به شرح احوال خود مؤلف که اطلاعات چشم‌گیری را به دست نمی‌دهد. در همین بخش است که نمونه‌ای از اشعار او در گله از تنگی روزگار درج شده است. در قسم بعد که قسم آخر کتاب است، میرزا محمد صالح احوال جماعت شاگردانش را در سه طبقه آورده: طبقه اول جمعی که خوش‌نویسان حسابی بودند و اکنون در قید حیات نیستند شامل نه تن. طبقه ثانی جمعی که سابقاً خوش‌نویس بودند و الحال تارکند شامل پنجاه و چهار تن. طبقه ثالث جمعی که خوش‌نویس و بر سر مشق‌اند شامل شصت و دو تن.

و رقم «کتابه محمدصالح» با دو ماده تاریخ، یکی اتمام بنا «۱۱۱۸» و دیگری آماده شدن مدرسه برای طلاب «۱۱۱۹». ۹. و دیگر کتابه‌های درون مقرنس‌های سردر مسجد علی‌قلی آقا در دو بیت و با رقم «محمدصالح» با ماده تاریخ «۱۱۲۲». ۱۰. دیگر کتابه سنگ مزار میر عبدالعال نجات اصفهانی که در هیأت عینا سنگ مزار صائب است. حاوی شعر نجات:

شد باعث غفلت مرا آگاهی از آمرزشت

برده ست خواب راحتم در سایه دیوار تو<sup>۱۱</sup>

علامه جلال‌الدین همایی نوشته‌اند کتابه سردر مدرسه شفیعیه یا فیضیه احمدآباد با رقم «کتابه العبد ابن ابوتراب» که کاشی حاوی نام خود کاتب افتاده، ظاهراً به خط محمدصالح اصفهانی است و تاریخ ۱۰۹۴ق دارد. بیت اول قطعه این است:

به عهد ملک‌شاه قدری که سازد

بنای جهان محکم از عدل شامل<sup>۱۲</sup>

این نکته که محمدصالح در امضا نام پدر را به جهت احترام بر خود مقدم می‌داشته از قطعاتی که از وی باقی مانده مشخص است و بسیاری از کاتبان چنین رسمی را داشته‌اند. هم چنین میرزای سنگلاخ نوشته است که کتابه نستعلیق جلی بالای در نقره متصل به سقاخانه حضرت امام هشتم امام رضا به خط محمدصالح اصفهانی است.<sup>۱۳</sup>

و اما تذکره الخطاطین را که اینک به طبع می‌رسد میرزا محمدصالح بنا بر خواهش مخدومان خویش میان سال‌های ۱۱۱۸ تا ۱۱۲۲ق نوشته است. در باب تاریخ تألیف، متأخرترین تاریخی که در متن تذکره مذکور است وفات میرزا محمدرضا از تبارزه عباس‌آباد در سال ۱۱۱۸ق است و چون از طرفی در زمان تألیف، میر عبدالعال نجات اصفهانی که تاریخ وفاتش ۱۱۲۲ق است هنوز در قید حیات بوده، پس می‌بایست تاریخ تألیف را میان این سنوات قرار داد. توضیحاً، اینکه در تاریخ وفات رشیدا آمده: «بیست سال قبل از این فوت شد» و از آنجا که تاریخ فوت او ۱۰۸۰ق است، ممکن است که محمدصالح در تقریب دچار خطا شده و یا به ظن قوی از قبیل سهوهای کتابتی در نسخه‌های منقول باشد.

اهمیت و ارزش کتاب کوچک تذکره الخطاطین بیشتر از حیث اطلاعات دست اول و اصیلی است که مؤلف از مسموعات و دانسته‌های خود نقل می‌کند که بعضی از آنها در هیچ کتاب دیگری مسطور نیست. از جمله، اسامی بسیاری

۹ همان، ص ۴۴۴-۴۶۹.

۱۱ محمدعلی حزین لاهیجی، تذکره المعاصرین، به کوشش معصومه سالک (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۵)، ص ۲۹۰.

۱۲ جلال‌الدین همایی، تاریخ اصفهان: هنر و هنرمندان (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵)، ۱: ۱۴۹-۱۵۰.

۱۳ سنگلاخ خراسانی، ۲: ۳۱.



علی‌رغم این‌که میرزا محمدصالح در تألیف تذکره خویش طریق اختصار را پیش گرفته و تراجمش عمده از ذکر نام و رتبه خوش‌نویس تجاوز نمی‌کند، لیکن در اعتبار نوشته‌هایش جای شکی باقی نیست.

از ارزش‌های دیگر کتاب، ثبت مصطلحات رایج میان ارباب قلم و معیارهای سنجش حسن خط است که بسیار مغتنم است. در مورد پایه مؤلف در انشاء باید گفت که نثر فصیحی ندارد و اغلب، افعال جملات را چه با وجود قرینه و چه بدون آن حذف کرده که از روانی کلام او کاسته است و این رویه در بسیاری از عبارات مشهود است.

تذکره‌ها و کسان‌ی که بعداً از این کتاب استفاده و مطالب آن را نقل کرده‌اند، آنچه به نظر راقم سطور رسیده کتاب امتحان الفضلاء تذکره خطاطین میرزای سنگلاخ است که از این کتاب بسیار استفاده نموده و به قول مرحوم بیانی:

میرزای مزبور دو جلد کتاب مشروح عظیم خود به عنوان امتحان الفضلاء را که تذکره الخطاطین است بر اساس مطالب همین تذکره کوچک ولی بسیار مفید نهاده و همان مطالب را شرح و بسطی به سزا ولی لاطایل داده و اخبار مجعول بی‌اساس فراوانی به آن افزوده.

اما در باب نسخه‌های خطی این کتاب، میرزای سنگلاخ نوشته است که نسخه اصلی دست خط مؤلف نزد او بوده است.<sup>۱۴</sup> بعدتر میرزا محمدحسین جعفری ادیب اصفهانی نسخه‌ای از این کتاب را در تملک داشته است که از دست او خارج شده و فقط وجود چنین کتابی را به مرحوم بیانی گفته بوده است. پس از آن بیانی نسخه‌ای از این تذکره را که به سال ۱۲۸۱ق مکتوب بود، ضمن چند کتاب که برای فروش به کتابخانه مجلس سنا عرضه شده بود دیده و برای خویش از آن نسخه برداشته است.<sup>۱۵</sup> از آنجا که در فهرست کتابخانه مجلس اثری از این کتاب ندیدم، معلوم است که کتابخانه آن نسخه را خریداری نکرده و دست‌نویس مرحوم بیانی شاید در میان یادداشت‌های باقی مانده از ایشان موجود باشد.

نسخه‌ای که این بنده، به قدر وسع، کتاب را از روی آن آماده طبع کردم متعلق به خوشنویس معاصر مرحوم عبدالله قرادی (۱۳۰۶ - ۱۳۷۵) و مشخصاتش به قرار زیر است:

این نسخه به خط نسخ خوش مرحوم جواد کمالیان فرزند عبدالرحیم و تاریخ کتابت آن بیستم فروردین ۱۳۱۲ است. نسخه به قطع جیبی و در ۲۹ ورق ۱۵ سطری بر روی کاغذ تحریر، با جلد مقوای ضخیم و به رسم الخط معمول اواخر دوره قاجار است.

اما نسخه‌ای که کمالیان از روی آن کتابت کرده نسخه منقّحی نبوده است. چند جا از نسخه مکتوب کمالیان افتادگی‌های کوتاه دارد که معلوم است معلول نسخه پیشین بوده. هم‌چنین عده‌ای از اسامی خاص را نتوانسته بخواند و یا به غلط خوانده است. نیز مواردی چند از متن در حاشیه نسخه جای داشته است که مرحوم کمالیان آن حواشی را جداگانه در پایان متن تذکره آورده است. این بنده تا آن جا که توانستم محل این حواشی را پیدا کرده و درون علامت < > به متن بردم.

در تصحیح متن چون نسخه‌ای منحصر در اختیار داشتم در موارد ابهام ناگزیر به تصحیحات قیاسی شدم. اما موارد چندی مجهول باقی ماند. بعضی از ترجمه‌های مذکور در این تذکره را مرحوم بیانی در کتاب احوال و آثار خوشنویسان نقل کرده و همان منقولات به رفع تعدادی از اشکالات کمک کرد. همه اختلافات نسخه بیانی را با این نسخه در حواشی متذکر شدم.

و در پایان سیاهه‌ای از مصطلحات فن خط را که در متن آمده به همراه فهرست نام‌کسان، جای‌ها، مشاغل و مناصب و جز آن، برای مزید استفاده خوانندگان استخراج کردم.

\* \* \*

در این جا فرض است از استاد گرامی ایرج افشار که از سر لطف متن تذکره الخطاطین و این مقدمه را یک‌بار خوانده و دقایق ذی‌قیمتی را متذکر شدند، صمیمانه تشکر کنم. از دوستان خویم، آقایان علی‌رضا امامی و اردوان امیری‌نژاد که بنده را در مراحل تصحیح یاری دادند کمال تشکر را دارم. امید از صاحب‌نظران و این‌که هرگاه سهوی و اشتباهی ببینند اصلاح فرموده این بنده را بی‌نصیب نگذارند.

<sup>۱۴</sup> همانجا.

<sup>۱۵</sup> بیانی، ص ۷۶۸.

[3a]

تا زمان خلافت آل عباس ابن مقله وضع خط ثلث و نسخ کرد. به تقریبی // دست او را بریدند به دختر خود تعلیم کرد. و بعد از آن علی بن بواب خط محقق و ریحان را اختراع کرد و بعد آن توقیع و رقاع به هم رسید و بعد از اینها تعلیق، که واضع این سه قلم معلوم بنده نیست، شاید در تواریخ مذکور باشد. و یاقوت غلام مستعصم عباسی خط نسخ را به مرتبه کمال رسانید و شاگردان او شش نفرند که ایشان را استادان سته می گویند: شیخ زاده سهروردی شاگرد یاقوت و در بغداد می بود. و ارغون مولد او عراق عجم است اما در بغداد می بود. پیر محمد صوفی و مبارکشاه زرین قلم در خدمت سلطان ویس می بودند. نصرالله طیب ملازمت سلطان محمد جلایر می کرد. یوسف مشهدی شاگرد یاقوت است در تبریز به سر می برد. عبدالله صیرفی شاگرد اوست و حاجی محمد بنددوز شاگرد صیرفی است. و عبدالله طیب در خراسان می بود، عبدالحق سبزواری شاگرد اوست. دیگر از مشاهیر ثلث و نسخ حافظ نصیر مکی است و ملا عبدالله // طبّاح است. استاد المتقدمین والمتأخرین [3b] ملا علائیگ تبریزی است که در میان این طبقه علم امتیاز برافراشته. ملا عبدالباقی تبریزی و ملا علیرضا عباسی شاگرد ملا علائیگ اند و حاجی مقصود هم گویا شاگرد آخوند است. و ملا محمد صالح مولوی اصفهانی و ملا محمد رضا امامی اصفهانی شاگردان ملا عبدالباقی اند و آخوند محسنا پسر و شاگرد ملا محمد رضا است. و در میان امامی ها خوش نویسان مثل ملا محمد جعفر و جمعی دیگر بوده اند و آقا نقی پسر و شاگرد آخوند محسنا است و ملا زین العابدین و محمد رضا بیگ و شیخ رحیم از جمله شاگردان محسنا و همه در مرتبه کمالند. و خوش نویسان تعلیق بسیارند که اسم ایشان مذکور نمی شود و ملا درویش و ملا اختیار اکمل این طبقه اند. و شکسته تعلیق در اواخر به هم رسیده و میرزا محمد حسین ولد میرزا شکرالله و میرزا محمد حسین صابونی از معارف خوش نویسان شکسته تعلیق اند. و در این وقت سید جلیل // عدیم العدیل [که] دل های شکسته را شیشه نبات و [4a] الوان نعمای سخن را ذهن و قادهش سماط است،<sup>۷</sup> میر عبدالعال متخلص به نجات، تعلیق و شکسته را خوش می نویسند. و مخترع شکسته نستعلیق والد بنده و میرزا فصیحی هروی<sup>۸</sup> ملک الشعراء در این فن شاگرد مخترع و سید مغفور مبرور شفیعی رزهای مشهور شاگرد میرزا فصیحی، اما خود تصرفات فرموده اند و در بند ایشان است.<sup>۹</sup>

// بسم الله الرحمن الرحيم

[1b]

الحمد لله الذي جعل الخط نصف العلم والصلوة على سيد رسله معدن العلم والحلم والسلام على وصيه و اولاده المعصومين هم سرور صدور اهل الايقان والستلم. و بعد چون در این وقت بعضی از مخادیم کرام به گمان اینکه فقیر حقیر خاکسار احقر کتاب محمد صالح بن ابی تراب را اطلاعی بر چگونگی خط و به هم رسیدن خطوط و خطاطان هر زمان می باشد، خواهش این فرمودند که تذکره ای بر اوضاع خطوط و احوال خوش نویسان در سلک تحریر در آورد. بنابر ایتمار فرمان و امتثال اوامر ملازمان ذیشان ایشان آنچه از این مراتب که مسموع این بی بضاعت شده بود در مقام تنمیق آن در آمده، به عزّ عرض می رساند که قلم بر دو // نوع است: یکی نباتی<sup>۱</sup> و آن کام شیرین کن خوش نویسان و کاتبان کرامت آیات است<sup>۲</sup> که<sup>۳</sup> نمونه ای از کرام الکاتبین و نشانه ای از راقمان علم الیقین اند و حدیث صحیح نبوی - صلی الله علیه و آله - در شأن ایشان واقع است که: «من كتب بسم الله الرحمن الرحيم بحسن الخط دخل الجنة بغير حساب» و در کلام معجز نظام سلطان سریر ولایت و خلافت واقع شده که: «عليكم بحسن الخط فانه من مفاتيح الرزق»؛ و دیگری قلم موسست که احوال اهل آن فن شاید در موضع خود مذکور شود. بدان که در اوایل فطرت خط نبود [تا] طهمورث ولد هوشنگ نواده کیومرث که اولین سلاطین پیشدادی [بود].<sup>۴</sup> و اوّل سلطانی که در سطح ارض بر مسند سلطنت قرار گرفت و امر ریاست و ملکداری و فرمان روائی از او ناشی شد کیومرث بود. و سیامک ولد او را چون از جمله عبّاد و زهاد قوم بود و اکثر در // زوایای جبال به عبادت ایزد متعال مشغول بود، قوم دیواز [2b] راه رشک یا مخالفت در مذهب، سنگ گرانی بر فرق او زده او را کشتند و بعد از او هوشنگ پادشاه شد و بعد از هوشنگ، طهمورث بر سریر سلطنت قرار گرفته، خون خواهی جدّ خود از آن قوم مخدول کرده، لهذا به «دیوبند» مشهور است. ملخص مقال طهمورث خطی وضع فرموده و به مرور دهور خطوط دیگر پیداشد به این ترتیب: خط عبری و بربری و خط اندلیسی و صینی<sup>۵</sup> و قبطی و حمیری و سریانی و رومی و معقلی و هندی و فارسی. و بعد از اینها مولا و مقتدای اهل عالم، خلاصه و علّت غابی ایجاد مکنونات، سیما بنی آدم، امیر المؤمنین و یعسوب الدّین قاید غر المحجلین اسد الله الغالب علی بن ایطالب - صلوات الله علیه - وضع خط کوفی فرمودند و خط کوفی معمول و مرقوم قوم بود

۱ اصل: بیانی.

۳ اصل: + در.

۵ اصل: صیفی.

۷ اصل: سماتست.

۸ اصل: مروی.

۲ اصل: کرامت ایابست؛ متن = نسخه بیانی، گلستان هنر.

۴ عبارت مغشوش است، افزوده جهت ادراک بیشتر اضافه شد.

۶ اصل: که؛ تصحیح به قید احتمال و براساس سیاق جمله است.

۹ ظاهراً قسمتی از عبارت اخیر «و... در بند ایشان است» ساقط شده است.



## [طبقه اول]

بعد از اختراع اقلام سبعة که سابقاً ذکر آنها گزارش یافت، خط نستعلیق که در میان خطوط حکم عروس آراسته [و] پیراسته دارد، واضع آن خواجه میر علی تبریزی است و بعد از او ملا عبدالله پسرش در این فن سرآمد بوده. ملا جعفر هروی<sup>۱۰</sup> که استاد ملا اظهر هروی<sup>۱۱</sup> است شاگرد ملا عبدالله است. و ملا سلطانعلی مشهدی که معاصر سلطان حسین بایقرا و در خدمت سلطان در هرات می‌بوده شاگرد ملا اظهر است و او را شاگردان رشید متعدّد است. از آن جمله ملا محمد // ابریشمی و ملا سلطان محمد نور و ملا سلطان محمد خندان و ملا محمد قاسم شادیشاه که خط را بسیار نازک کرده و زین‌الدین محمود، شاگردان ملا سلطانعلی و همه از اهل خراسانند.

[4b]

و مولانا میر علی<sup>۱۱</sup> که سرآمد خوش‌نویسان است شاگرد ملا محمد ابریشمی و زین‌الدین محمود است، خط را به جایی رسانید که اگر صحایف روزگار بر از تعریف خطش شود هنوز یکی از هزار در حیز تحریر نیامده خواهد بود. و میر سید احمد مشهدی و خواجه محمود بن اسحق الشهبانی و ملا مالک دیلمی از شاگردان ملا میر علی‌اند. > ملا باقر ولد ملا میر علی در کتابت سرآمد است. < و مولانا عبدی<sup>۱۲</sup> نیشابوری و مولانا غیاث‌الدین و میر محمد حسین رزه‌ای که در کتابت نهایت امتیاز دارد و از خوش‌نویسان آن زمان و شاگرد این جماعت‌اند. <sup>۱۳</sup> و مولانا شاه محمود نیشابوری که در کتابت ممتاز و بی‌نظیر است شاگرد سلطان محمد خندان است. و ملا باباشاه اصفهانی که آن هم در کتابت بی‌عدیل است // شاگرد میر علی [است و آشنا]<sup>۱۴</sup> به ملا میر علی می‌نویسد چنانچه اکثر کتابتش مشتبه به خط آخوند می‌شود. و میر خلیل هروی که خوش‌نویسی است مشهور و از هندوستان در عهد نواب خاقان گیتی‌ستان به حجاب آمده با میر عماد معارضه‌ها کرده، مصلحی است بی‌نظیر و شاگرد محمود اسحق است. و ملا محمد حسین تبریزی که قلمش در نهایت شیرینی و تندی [و تیزی]<sup>۱۵</sup> و بسیار به قدرت و چسبان‌نویس است، شاگرد میر سید احمد است و در تبریز به سر می‌برده. دیگر میر معزالدین محمد و ملا علی فایضی هم از خوش‌نویسانند. میر معزقطعه‌های

[5a]

خوب نوشته، اگر چنانچه بر [۱۰۰] هر یک و سلوک سلاطین جنت‌مکین با ایشان و اعزاز و احترامشان بپردازد طول زیادی در کلام و موجب کلال طبایع خواهد بود.

## طبقه ثانی

اما استاد جهان، میر عماد، که برو هر نفسی رحمت باد، از سادات حسنی سیفی<sup>۱۷</sup> قزوین و سرآمد خوش‌نویسان همه اعصار و اهل هر شهر و دیار و خط نسخ بر خطوط همه // خوش‌نویسان کشیده و خطش در میان خطوط کالشمس من سایر الکواکب امتیاز دارد.

[5b]

اولاً شاگرد عیسی بیگ رنگه‌نویس و بعد از آن یک‌چندی در خدمت ملا مالک مشق کرده و بعد از آن از قزوین به تبریز رفته در خدمت ملا محمد حسین تبریزی مشق می‌کرده، چنانچه خود می‌فرموده‌اند که در سه سال اوّل شش دفعه سر تراشیده بودم که فرصت حلق رأس نداشتم. در خدمت ملا محمد حسین دور از وطن و احباء مشق می‌کردم تا خط من به حدی رسید که روزی مشقی کرده بودم به خدمت آخوند بردم، فرمودند که اگر در قوه خود می‌بینی که مشقی چنین به عرصه بیآوری سعی در مشق بکن والا دست بردار. عرض کردم که مشق من است. مشق را بوسیده بر زمین گذاشتند و فرمودند که حالا دیگر دست دست توست. بعد از مدتی از خدمت آخوند مرخص شده به سمت ولایات روم [رفته]<sup>۱۸</sup> سه قطعه در حلب // نوشته‌اند دیده‌ایم. و از آنجا مراجعت فرموده به هرات هم تشریف برده‌اند که خطوط هرات جناب ایشان از مشق و قطعه ملاحظه شده و تباینی در خط هر ولایتی نسبت به موضع دیگر در خط میر ظاهر است. و از خراسان به عراق مراجعت فرموده و در قزوین به سر می‌برده‌اند و در سنه هزار و هشت از قزوین به دارالسلطنه اصفهان آمده و در اصفهان توقّف داشتند تا سنه هزار و بیست و چهار.<sup>۱۹</sup>

[6a]

و بعد از آن مقصود مسگر قزوینی که از جمله مصاحبانش بود شبی دیرگاه به در خانه میر آمد که تو در خانه تنهائی و ما هم در خانه تنها و خانه‌ها نزدیک و شب‌ها طولی دارد، بیا برویم به خانه ما، آنجا قدری با هم صحبت بداریم.

۱۱ اصل: مولانا میرعی.

۱۳ معنای جمله اخیر معلوم نشد.

۱۴ اصل نسخه افتادگی دارد. افزوده به قیاس سیاق کلام مؤلف و به جهت ادراک متن اضافه شد.

۱۶ اصل نسخه افتادگی دارد.

۱۸ اصل نسخه افتادگی دارد.

۱۰ اصل: مروی.

۱۲ اصل: عیدی.

۱۴ اصل نسخه افتادگی دارد. افزوده به قیاس سیاق کلام مؤلف و به جهت ادراک متن اضافه شد.

۱۵ براساس نسخه بیانی اضافه شد.

۱۷ اصل: سنغی.

۱۹ اصل: سنه ۱۰۲۴ هزار و چهار.

باشد ندیدیم و وقتی دیگر باز مقصود را مخاطب ساخته، چون به تقریبی حرف میر عماد به میان درآمده بود فرمودند که کسی نیست که این قزوینی را بکشد و مرا از دست او خلاص کند. این معنی سبب جرأت صدور خطائی چنین از مقصود شد و بعد از قتل میر سه چهار ماه میرزا ابراهیم پسر و آقا رشیدا که همشیره زاده و در خدمت میر می بودند متواری بودند، بعد از آنکه دیدند دیگر مواخذه نیست از عقب پرده خفا برآمده در عرصه ظهور جلوه گر شدند.

و شاگردان میر عماد چندین نفرند که در نهایت امتیاز و عروس خط را بهتر از مشاطگان بیش هر هفت کرده، در حجله صفحه در نهایت رعنائی و زیبایی براریکه دلربایی نشانیده اند:

اولاً میرزا ابراهیم خلف میر که فرزندش منحصر بوده به او و صبیهای، خیلکی به میر آشنا می نویسد. بعد از وقوع این // واقعه هائله به قزوین رفته و در آنجا فوت شد و از او اولادی باقی نماند. و از صبیۀ میر می گویند دختری به هم رسیده و از آن دختر شاید فرزندان باشند.

دیگر آقا رشیدای همشیره زاده میر که از دیالمة قزوین است.<sup>۲۱</sup> و ابوتراب اصفهانی والد کمترین که میر همیشه او را مخاطب به «فرزند» می ساخته و اکثر در خدمت میر می بوده. این دو نفر نهایت امتیاز از استادان سلف دارند در نهایت قدرت و شیرین قلمی اند، چنانچه میر در پایان مشق رشیدا «مشق سام نریمان» و در تحت مشق والده بنده «مشق رستم دستان» می نوشته اند. هر دو بسیار شبیه به میر می نویسند و در هر فنی از فنون این خط کمال قدرت دارند و در نهایت استادی اند. و قلم خفی و قلم دودانگه در بند آقا رشیدا است. چیزهای بسیار خوب نوشته و کثرت مشقش در مرتبه ای بوده که در آن دو سه ماهی که فراری بوده و جای مشق معقولی نداشته هزار و پانصد چسبانده ورق سمرقندی را // مشق کرده بوده و به والد بنده می گفته که به فریاد من برس که همه چیز از خاطرم محو شده، این را تعطیل حساب می کرده.

دیگر از شاگردان میر، مرحوم ملا عبدالجبار است. اصلش ابهری و به قزوینی مشهور است، خط پرزور و پرگوشته به قدرتی دارد. او هم شبیه به میر می نویسد.

دیگر ملا عبدالرزاق همشیره زاده دیگر میر است. خط نازک به مزه ای دارد اما قدرتش در مرتبه آن سه نفر نیست. اما خیلی چسبان نویس است و شبیه به میر می نویسد.

دیگر نورای لاهیجی او هم به قدرت و پرزور نویس است و خط مطبوعی دارد.<sup>۲۲</sup>

میرزا ابراهیم پسر میر خواست رفاقت کند، مقصود به تقریبی مانع او شده میر را تنها با خود برده در عرض راه میر را پاره پاره کرده و در میان شارع انداخته، خود از کناری به در رفت. // فردا میر مبرور مقتول در میان شارع افتاده بود (عمر گرامیش شصت و شش سال).<sup>۲۰</sup> خبر قتل میر منتشر شد. چون اتباعش همه متواری شده بودند، والد بنده آمده او را برداشته در مزار خارج درب طوقچی مدفون ساخت، اراده کرده بود که بر سر قبرش جایی بسازد و قبرش را تزئینی بدهد، مردم تخویف او هم کرده فسخ اراده خود کرده بودند. و می فرمود که در آن چند روز میر بسیار مشوش خاطر و معلومش شده بود که می کشندش. حتی از اطوار میرزا ابراهیم و ارتعاش او در حین افعال مفهوم می شد. > دیگر از غرائب احوال او اینکه والد بنده می فرمودند که بعد از آنکه میر را مدفون ساختم شب در واقعه دیدم که میر آمد و به من می گوید که مرا مدفون ساختی یک انگشت کوچک من با من نیست. برو بگرد و آن را پیدا کرده بیاور و در قبر من مدفون ساز. من روز دیگر رفته انگشت میر را در مقتل او در میان خاکها یافته بودم و در قبر او مدفون ساختم <.

و جهت کشتن میر تفصیلی دارد. و نواب خاقان گیتی ستان — انارالله برهانه — با این که پادشاهی بود بسیار قدر دان و سرآمد اهل هر فنی را نهایت احترام می فرمودند، مستبعد است که میر عماد را در مقر سلطنت اعلیحضرت او بکشد و بشنود و متوجه بشود و احدی را مواخذ نسازد. // چند چیز ذخیره خاطر مبارک شاه بوده: یکی از آن جمله متهم بودن به تسنن است، و دیگر چون آخوند ملا علی رضای عباسی تبریزی را که از جمله شاگردان سرآمد ملا محمد حسین است و صفای قلمی و قدرت زیادی دارد احترام افزونی می فرمودند و از جمله مصاحبان مقرب آن حضرت و از اصحاب خلوت و به خدمت کتابداری سرافراز بوده و احسان های بیش از پیش به آخوند می فرموده اند و شبها علی رغم میر عماد خود شمع به دست مبارک نگاه می داشته اند که آخوند چیزی بنویسد. این مراتب با وجود در پیش بودن ها و سرآمد جمیع اعصار بودن دلکوب میر مبرور بوده، اکثر در حین حضور سخنان درشت با اعلیحضرت شاه می گفته و اشعار تند کنایه آمیز در قطعه ها می نوشته و به شاه می داده. و دیگر جهات دارد که ذکر آنها مناسب مقام نیست. حاصل، اعلیحضرت ظلّ اللّهی روزی به همین مقصود قاتل // میر می فرموده که ما یک قزوینی که یک ذرع دم نداشته

<sup>۲۰</sup> کذا فی الاصل، درون پرانتز.

<sup>۲۱</sup> اصل نسخه در اینجا حاشیه دارد که محل درستش معلوم نشد: آقا میرزا محمدرضا ولد حاجی حق داد خط شکسته را بسیار خوب می نوشت و حالا تارک است در شهر...؟

<sup>۲۲</sup> اصل نسخه در اینجا حاشیه دارد که ظاهر از کاتب یا صاحبان نسخه اساس کتابت کمالیان است: نورالدین لاهیجی است و یک قطعه از او نزد فقیر موجود است ۱۲۵۱.

[9a]

دیگر مایحیی قزوینی، او هم می‌گویند همشیره‌زاده میر است. خوش‌نویس بدی نیست. پرزور<sup>۲۳</sup> می‌نویسد. خطش مزه‌ای هم دارد. دیگر میر ساوجی است، قدرت قلمش بیشتر از همه اما خطش به مزه خط آنهاست دیگر نیست و در کثرت مشق به حدی کثیرالمبالغه بوده که نان را والد‌اش ریزه می‌کرده و به دهن او می‌داده که مبادا از مشق بازماند. دیگر ملا // محمد صالح خاتون‌آبادی من‌اعمال اصفهان است. کاتب بسیار خوبی است.

دیگر محراب‌بیگ قزوینی است. کتابتش به کتابت میر خیلکی شبیه است.

دیگر مختار بیگ قزوینی است او هم کاتب است، بد نمی‌نویسد. دیگر جمشید بیگ غلام من عمله کتابخانه است، او هم خوش‌نویس و میر قطعه به اسم او بسیار نوشته، اما به هند رفته «خوشنویس خان» به او خطاب دادند و چون روگردان در دولت سرای مولای خود شده بود، دبیران<sup>۲۴</sup> حُسن خط را از او گرفتند. چنانچه اهل هند گفته‌اند که نواب خان چنان دست مبارکی دارد که برای هر کس یک سرمشق نوشت روز دیگر بهتر از خان می‌نویسد.

دیگر ملا شکوهی همدانی و ملا احمد جرفادقانی هم شاگرد میراند اما بدک نمی‌نویسند. شاگردان میر این جماعت‌اند. ذکر احوال شاگردان: میرزا ابراهیم ولد میر که حُسن خطی دارد، بعد از فقدان میر، بعد از قدر زمانی به قزوین رفته در آنجا فوت شد // و از او عقبی نیست. و میر صبیله‌ای هم داشته گویا از [او] اولاد باشد.

[9b]

دیگر ملا عبدالجبار و میر عبدالرزاق در قزوین بودند و نورا در لاهیجان بود. در عهد نواب خاقان رضوان‌مکان ایشان را طلب فرمودند و ملا عبدالجبار و نورا را به علت خوش‌نویسی ملازم فرمودند و به هر یک سی تومان مواجب عنایت شد و میر عبدالرزاق چون حُسن صوتی داشت و شاهنامه را خوب می‌خواند به سبب شاهنامه‌خوانی ملازم شد.

و ملا یحیی در قزوین بسر می‌برد و بیست تومان مواجب آخر به او دادند و در قزوین [شرحی را]<sup>۲۵</sup> که مرقوم رقم مرحوم ملا خلیل که از اجله فضلای عصر و قزوین بود بر کافی نوشته کتابت می‌کرد.

و آقا رشیدا به هند تشریف برده در آنجا احترام زیادی به او کردند و در خدمت شاه جهان و گاهی در کشمیر می‌بود

تا بیست سال قبل از این فوت شد. و صبیله‌ای از او که در حباله حاجی محمد نامی از مردم هند که شاگرد رشیدا بود باقی مانده بوده و حاجی محمد مزبور // به طور هند آقا رشیدا می‌نویسد [10a]

و قطعه‌ها هم آقا رشیدا به اسم او نوشته. و شاگرد دیگرش<sup>۲۶</sup> میرزا کاظم خویش میرعماد والد میرزا محمد امین که الحال از جمله خوش‌نویسان و صفای قلمی دارد و در کتابخانه ملازم و شیرین‌نویس و چسبان‌نویس است، او هم به طور هند آقا رشیدا آشنا می‌نویسد.

دیگر مخدوم الانامی حاج الحرمین الشریفین میرزا خان محمد که والدش از اهل اصفهان اما مسقط رأس شریفش هندوستان و از رشیدا تعلیم گرفته‌اند و از جمله خوش‌نویسان عهد و به طور ایران رشیدا بسیار به قدرت و سرعت می‌نویسد. دیگر شاگردی از رشیدا که حسن خطی داشته باشد نشنیده‌ام و از آن جمع دیگر شاگردی که خوش‌نویس مسموع نشده. و ملا علای قزوینی که صورت خطی داشت و در قزوین می‌بود نمی‌دانم که شاگرد کدام یک از اینها است. و محمد ابراهیم پسر ملا علا هم بدک نمی‌نویسد.

[10b]

و از ملا عبدالجبار دو // پسر بود که یکی مرحوم آقا شفیعا است، از جمله خوش‌نویسان ممتاز و در کمال قدرت قلم بود، در کتابخانه ملازم و بیست تومان مواجب داشت. چند سال قبل از این در اینجا به جوار رحمت ایزدی پیوست و در مزار بابا رکن‌الدین اصفهان مدفون است. و آقا محمد تقی برادرش در قزوین می‌بود و بیست تومان مواجب مایحیی را به او داده بودند و مشغول تحریر شرح کافی بود، در آنجا فوت شد. و از آقا شفیعا گویا پسری باقی مانده. و شاگردان مرحوم شفیعا که صاحب خطی شده بودند، یکی علی بیگ قمی و دیگری ملا دوست‌علی قراقانی است که هر دو بد نمی‌نوشتند.

> دیگر افضل‌الفضلاء سلطان‌الاتبیاء، میرزا علاء‌الدین محمد گلستانه - قدس سره - در چندین قلم سیم‌نستعلیق خوش‌نویس بود.

دیگر عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزا محمد ابراهیم واقعه‌نویس قلم بسیار تندی دارند و چسبان و به‌مزه می‌نویسند، پرنده‌صفحه از کلک گوهر بارش [۲۷] و خط مسطر از قلم زرین [۲۸] زر تارست.

دیگر میرزا ابوالحسن وزیر سابق موقوفات خلف نواب وحید، قلم شیرینی دارد و به اندام می‌نویسد.

<sup>۲۴</sup> اصل: پیران.

<sup>۲۳</sup> بیانی: هر روز.

<sup>۲۵</sup> بر اساس نسخه بیانی اضافه شد.

<sup>۲۶</sup> اصل نسخه در اینجا حاشیه‌ای دارد که از مؤلف نیست: میرزا کاظم پسر ملا عبدالرزاق است.

<sup>۲۷</sup> اصل نسخه افتادگی دارد.





دیگر میرزا ابوالفتح انجوی<sup>۳۱</sup> شیرازی خوش‌نویس خوبی بود. خط ربایندہ‌ای دارد. در اوایل حال اینجاها بوده و در پیش والد بنده مشق می‌کرده. بعد از آن به شیراز رفته، ملت‌هاصیت خوش‌نویسی او در شیراز بلند بود. در اواخر حال // [12a] به اصفهان آمده، مدتی در این جاها تشریف داشتند. آخر داعی حق را لبتیک گفته، در قرب امام زین‌العابدین مدفون گشت. و نجمای لاری هم در لار بود. بد نمی‌نوشت. نمی‌دانم شاگرد کیست.

دیگر میرزا مسیح و میرزا خلیل، ولدان میرزا فصیح برادر نواب وحید و میرزا امین برادر نواب و میرزا یوسف برادر دیگر و میرزا عبدالله ولد نواب همه خوش می‌نوشتند، اما میرزا عبدالله از ایشان در پیش بود.

دیگر میرزا یحیی، همشیرزاده نواب وحید، ایشان هم شاگرد والد بنده و بسیار خوش مشق بودند. حالا تارکند. و مرحوم میرزا فصیح هم خوش می‌نوشته. ظاهراً شاگرد ملا عبدالجبار باشد.

دیگر میر سید علی ولد میرزا مقیم که از تبار زه عباس آباد اصفهان‌اند. شاگرد والد بنده و از جمله شاگرد رشید ایشان است. خط بسیار گداخته به مزه‌ای دارد و به هندوستان رفته، در خدمت پادشاه قردردان شاه‌جهان می‌بود و به خطاب جواهر رقمی سرافراز و کتابدار و هزاری<sup>۳۲</sup> منصب بود. آخرها اختلالی در دماغش به هم رسیده، منصبش را کشیدند // و هر ساله معادل [12b] سیصد تومان عراقی مقرری به او می‌دادند. در آنجاها چند سال قبل از این فوت شد. اولاد پسرها در هند دارد.

و میرزا باقر نام شاگردی از غریب‌زاده‌های هند دارد که پای کمی در خوش‌نویسی از او ندارد بلکه قلم دودانگه را شیرین‌تر می‌نویسد. شاید حالا هم باشد. دیگر ملا محمدامین مشهدی در هند می‌بود. استادش معلوم بنده نیست.

دیگر بابونه‌گر جی، غلام والد بنده که به رشیدی اصفهانی مشهور است. او را طفل تربیت فرموده، خوش‌نویس سرآمدی شده بود. به هندوستان رفته، در خدمت قطب‌شاه معرّز و ملازم بود. خبر فوت والد بنده که به او رسیده بود، چندان گریسته بود که چشمش از حلیه نور عاقل و عاری شده. در حیدرآباد متوفی شد و آسیابش را ضبط فرموده بودند که به وارث شرعی رسانند، در گیرودار دکن به تاراج رفت. > دیگر میرزا نصیر ولد شیخ یحیی قزوینی نسخ و نستعلیق هر دو را خوب می‌نوشت به هندوستان رفته، آنجا معتبر

دیگر میرزا ابوالحسن قائینی خوش‌نویس بود، حالا [۳۰۰] بیها<sup>۲۸</sup> او را دریافته است. <

احوال والد بنده ابوتراب اصفهانی: بعد از فوت مرحوم میرعماد مسند استادی به وجود فائض الجود ایشان مزین و محلی و مشغول تعلیم و تعلم بودند. قطع نظر از خط به کمالات دیگر آراستگی داشتند و از جمله عباد و اهل ارشاد زمان خود بودند و از ایشان فیض‌های صوری و معنوی به اصاغر و اکابر رسید. در سنه هزار و هفتاد و سه به حظیره قدس شتافته در جنب // مسجد [11a] لُبنان اصفهان در پهلوی خواجه صابن‌الدین ترکه [که] از فضلالی عهد خود بوده مدفون گشت (عمر عزیزش هشتاد سال).<sup>۲۹</sup> و آقا نورای، ولد اکبر ایشان که برادر بزرگ بنده باشد، او هم به صفات حمیده پدر بزرگوار متحلی و در هر فنی از فنون خطاطی از همه شاگردان پدر بل خوش‌نویسان عهد خود در پیش و نهایت امتیاز به هر معنی داشت و در کتابخانه ملازم بود، در سنه هزار و نود و چهار به جوار رحمت ایزدی پیوسته در پهلوی پدر بزرگوار مدفون گشت.

دیگر ایشان را شاگردان رشید بسیار و متعدد و حصر آنها متعذر است. از جمله عظاما، عالیجاه میرزا محمد رضای حکیم‌باشی در نهایت زبردستی و استادی بودند و مرحوم میرزا محمد رحیم عقیلی که از فضلالی عهد خود و از اعظام سادات بود، آن هم بسیار برهنه‌نویس و قلم‌تندی داشت. و مرحمت و غفران‌پناه صفی‌قلی خان، معروف به القاص میرزا بیگلربیگی ایروان بسیار به مزه و صفا می‌نوشت و از شاگردان والد بنده بود.

دیگر مرحوم میرزا // جعفر قاضی اصفهان خوش‌نویس [11b] مسلّمی است.

دیگر آقا اشرف حکیم، ولد حکیم شمس‌بسیار نازک‌نویس بود و صفای اصلاح هم داشت.

و میرزا صادق و میرزا کاظم مخدوم‌زاده‌های میرزا عبدالحسین منشی‌الممالک هردو خوش‌نویس و به قدرت و در کمال طراوت و نزاکت قلم‌اند.

میرزا محمد حسین ضابطه‌نویس و میرزا محمد علی ضابطه‌نویس و میرزا اکبر برادر ایشان هر سه نهایت امتیاز داشتند. و میرزا حسیب، ولد میرزا طاهر خوزانی وزیر وقف و میرزا امین ولد نوری بیگ تبریزی هردو خوش‌نویس بودند. دیگر دو لطیفاً<sup>۳۰</sup> بودند، یکی تبریزی و دیگری اصفهانی، هر دو به هند رفتند. شاید تبریزی در حیات باشد. اینها هر یک در عالم خود خوش‌نویسان سرآمد بودند.

<sup>۲۹</sup> کذا فی الاصل، درون پرانتز.

<sup>۳۲</sup> اصل: براری.

<sup>۲۸</sup> اصل نسخه افتادگی دارد.

<sup>۳۱</sup> اصل: ابجویی.

<sup>۳۰</sup> بیانی: لطفاً.

[13a]

و صاحب خدمت بود. آنجا فوت شد. دیگر ملا عبدالباقی دامغانی خوب می‌نوشت. خوش کتابت بود. اینجا فوت شد.

دیگر رفیعی قزوینی کاتب خوبی بود. استادش معلوم نیست. آقا میرزا حسن علی عطّار بسیار خوب می‌نوشت. < دیگر مرحوم میرزا محمدرضا که از تبارزه عباس آباد و خالوزاده میر سید علی و اولاً<sup>۳۳</sup> شاگرد میر // سید علی و بعد از رفتن میر سید علی به هندوستان در پیش والد بنده مشق می‌کرد و از خوش‌نویسان اکثر در پیش و سرآمد عهد خود بود و به سبب صفای طینت و صدق طویّت و تهذیب اخلاق و حُسن خلق نظیر نداشت. در سنه هزار و صد و هجده فوت شده، در مزار بابا رکن الدین مدفون گشت. و اختلاف او میرزا هادی و میرزا محمّدعلی هر دو خوش‌نویس و در کتابخانه ملازمانند در عوض والد. و تعلیم را به فرموده پدر بزرگوار با آنکه خود صد چون منی را استاد بود، از بنده گرفته‌اند و حالا هم گاهی لطف می‌کنند و تشریف می‌آورند. و میرزا حسیب نام نواده‌ای هم دارد بد نمی‌نویسد.

دیگر خوش‌نویسان بعد از میر عماد که معاصر والد بنده و بعضی بعد از ایشان بودند: یکی نواب مغفور مبرور میرزا محمّدطاهر وحید اعتمادالدوله در پیش اکثر شاگردان میر مشق کرده بود، انامل اعجاز شمایلش در شیرین‌کاری این فن شکرین قلم و خامه عنبرین شمامه‌اش بر رخسار صفحه زرین رقم بود. // دیگری حسن خان بیگلربیگی هرات است<sup>۳۴</sup> صفای قلمی و گداز خطی دارد.

[13b]

> نواب مرحوم میرزا ابوطالب صدر سابق، خاصّه چهار مصراع را خوب می‌نوشت.

آقا میرزا محمّدتقی ولد حاجی حق داد عطّار خط شکسته را بسیار خوب می‌نوشت و حالا تارک است در مشهد مقدّس. آقا میرزا محمدرضا ولد حاجی حق داد عطّار خط شکسته را بسیار خوب می‌نوشت و حالا تارک است. < دیگر ملا علیرضای رمرمه<sup>۳۵</sup> اصفهانی است. او هم خوش‌نویس است.

دیگر نعیمای داملی<sup>۳۶</sup> و حاجی عادل تبریزی و ملا ابن حسین تبریزی و محمّدعلی مشهور به کهنه قمی و مسیحای کاتب شیرازی و ملا علی فائزی<sup>۳۷</sup> باجراحی<sup>۳۸</sup> اصفهانی، هر دو شاگرد ملا محمّدحسین تبریزی‌اند.<sup>۳۹</sup>

دیگر میرزا نورای ولد قاضی غلام‌علی، قاضی اصفهان، شاگرد میر عماد و هم مشق والد بنده بوده. به هندوستان رفته و در آنجاها فوت شد. کتابه مسجد آقا نور واقعه در محله درب دشت را در هند نوشته.

دیگر علی خان بیگ تویسرکانی<sup>۴۰</sup> است. خوش‌نویس خوبی است. نامه‌نویس بود. در اواخر حال جنون دوری به هم رسانیده بود. بعد از فوت والد بنده، او هم در اینجاها فوت شد. کتابه درب نقره مسجد کبیر عباسی خط اوست. هرچند که می‌گویند ترکیب‌بندی از اوست اما اصلی نخواهد داشت. ملاشکون // غلام حکیم رکن‌اوش نویس بود و به مزه می‌نوشت. میرزاخان بیگ ولد ملا علیرضای عباسی نستعلیق [14a] و نسخ را خوب می‌نوشت، اما در نسخ خوش‌نویس تر بود. آقا حسین لوسانی خوش‌نویس خوبی بود. قدرت قلمی داشت. کتابه در مدرسه حاجی قرچغای بیگ واقعه در بازار صباغان خط اوست.

دیگر میر ابوالقاسم ابرقوهی در عهد دولت نواب خاقان طویب آشیان از هند آمده، مدتی در این جاها بود، اوایل حال خیلکی پرزور و شیرین و چسبان و به مزه می‌نوشت. قدرت زیادی از راه کثرت مشق دارد. شاگرد ملا محمّدامین مشهدی است. در این آخرها مجتهد خط شد و خطش قلب ماهیتی کرده. به هند رفته در اورنگ آباد در خدمت یکی از پادشاه‌زاده‌ها ملازم بود. در آنجا فوت شد. کتابه در مسجد حکیم داود خط اوست.

صفی‌قلی خان استجلو بیگلربیگی<sup>۴۱</sup> مرو خوب می‌نوشت. دیگر میرزا اسمعیل ولد مرحوم میرزا کاظم عموزاده عالیجاه // واقعه‌نویس خوش‌نویس به‌رتبه‌ایست. در خدمت [14b] والد بزرگوار که شاگرد والد بنده است مشق کرده. چون به تحریر مکاتیب سلطانی مشغول است فرصت مشقی ندارد. دیگر شاگردان مرحوم میرزا نورای برادرم: اولاد<sup>۴۲</sup> پسر او که یکی میرزا تقی و یکی میرزا محمّدعلی نام داشتند، هر دو خوش‌نویس بودند و در خدمت پدر مشق کرده بودند و در عوض پدر در کتابخانه ملازم بودند، یکی در اینجا و یکی که میرزا محمّدعلی باشد در بین الحرمین فوت شدند. و دو برادر دیگر دارند که هر دو خوش‌نویس و در عوض برادرها ملازمانند، یکی میرزا ابوالحسن و یکی میرزا مسیح نام دارد.

۳۴ اصل: برانست.

۳۶ کذا فی الاصل.

۳۸ کذا فی الاصل.

۴۰ اصل: توی سرکانی.

۴۲ اصل: + و.

۳۳ اصل: اولاد.

۳۵ کذا فی الاصل.

۳۷ اصل: فایسی.

۳۹ کذا. منظور از «هر دو» معلوم بنده نشد.

۴۱ اصل: بیگلربیگی.

محسن قمی < و میر مقصود بروردی<sup>۴۵</sup> و مرحوم میرزا افضل جنابدی هر چهار در شکسته بطور شفیعا ممتازند. > میرزا اسمعیل ولدا شد میرزا مقیم شکسته را خوب می نویسد. میرزا بدیع نصرآبادی در شعر و انشاء و معما بی مثل است، شکسته را خوب می نویسد.

مرحوم میرزا محمدعلی و برادرش میرزا تقی نصرآبادی هر دو منشی و شاعر و شکسته را خوب می نویسند. < و مرحوم حاجی عبداللّه گیلانی مشهور به نجفی در ثلث و نسخ قدرت زیادی داشت و خود را از همه استادان سلف در پیش می دانست و بطور یاقوت می نوشت، اما پای کمی هم نداشت. به هند رفته در آنجا اعتبار زیادی یافته بود. // در آن جاها فوت شد.

[16a]

مرحوم ملا سلطان محمد اصفهانی سید احمدیانی طور ملا علی بیگ را بسیار خوش می نوشت. در نسخ خوش نویسی سرآمدی بود. مرحوم ملا سلیمان خاوانی<sup>۴۶</sup> اصفهانی در نسخ کاتب سرآمدی بود و سرعت قلم زیادی داشت. بسیار خوب می نوشت و جلد می نوشت.

مرحوم ملا سلطان محمد قروه<sup>۴۷</sup> اصفهانی نسخ را خوب می نوشت. شاگرد ملا سلیمان بود و از استادش در همه باب پای کمی نداشت.

دیگر دو ملا فتح الله بوده اند: یکی کاشانی و دیگری اصفهانی. هر دو در نسخ خوش نویسی و ممتاز بوده اند. دوست جانی و برادر روحانی، ابدان احباب را حرارت غریزی، میرزا احمد نیریزی در نسخ شاگرد آقا ابراهیم است و امروز استاد عصر و فرید دهر است.

آقا هادی اصفهانی ساکن قریه اسفیدان از خوش نویسان نسخ، صفای قلمش از اکثر اقران بیش و از اکثر خوش نویسان معاصر خود در پیش است. //

[16b]

> سید عبداللّه حابی<sup>۴۸</sup> در نسخ خوش نویسی است. میر معز و میر عنایت استاد و شاگرد، هر دو شوشتری و هر دو نسخ را خوب می نویسند. <

و خوش نویسان نسخ از حصر بیرون و چون غرض اصلی ذکر هر قلمی و بیان استادان خط نستعلیق و شاگردان ایشان بود و ذکر اسامی بعضی از نسخ نویسان را نیز مناسب مقام دانسته در این تذکره مذکور ساخت.

دیگر عالیجاه میرزا ابوالقاسم مجلس نویسی سابق و عالیجاه میرزا علاءالدین محمد مستوفی باقی و ضابطه نویسی هر دو شاگردان برادر بنده و گوی سبقت از اقران ربوده اند و بسیار به قدرت و صفا و به مزه و چسبان می نویسند، اما هر دو تارکند. // > دیگر میرزا اسمعیل ولد میرزا مسعود اصفهانی تند و به مزه می نویسد.

[15a]

دیگر آقا طاهر سرکانی خوب می نوشت و حالا خبری ندارم. <

میرزا محمد رحیم وزیر توپخانه مبارکه خوش نویسی بسیار خوبی هم در خفی و هم در جلی شده بود، اما مدت ها است که تارکند.

دیگر تکیه ده و ساده سحجانی میرزا حسن صاحب رقم کرمانی، اکثر خطوط را خوش می نویسد. خوش نویسی فنیست خوان کمالات صوری و معنوی ایشان است. شاگرد برادر بنده و بسیار به مزه و صفا می نوشتند، اما حالا تارک و نسخ را در مرتبه استادان سلف می نویسند و به کتابت کلام الله مشغولند.

دیگر میرزا علی نقی کرمانی، او هم شاگرد برادر بنده و خوش نویسی بود، اما مدت ها است که تارک است.

دیگر آقا رضای نقاش اصفهانی، شاگرد برادر بنده و خوش نویسی و در نقل به عینه خط استادش ید طولایی و صفای اصلاحی دارد.

دیگر مرحوم آقا ابراهیم قمی که به حسب اخلاق ملکی طینت، و در تذهیب و زرنشان سازی دست ملا یاری و ملا هلال و ملا زین العابدین و ملا مبارک را بر چوب // بسته بود، در شکسته نستعلیق و نستعلیق علامه دهر و فرید عصر بود و خط نسخش، خط نسخ بر خطوط همه نساخان کشیده بود. در سنه هزار و صد و ده به جوار رحمت ایزدی پیوسته، در مزار سنی<sup>۴۳</sup> فاطمه عباس آباد اصفهان مدفون گشت. در شکسته شاگرد مرتضی قلی سلطان ولد حسن خان و در نستعلیق شاگرد آقا حسین<sup>۴۴</sup> و در نسخ گویا شاگرد شیخ صادق عرب باشد.

[15b]

ملا محمد حسین متخلص به «نورس دماوندی» صفای قلمی داشت و خیلکی نازک و به مزه می نوشت. در این ایام در اینجا فوت شد.

> میرزا حسین، همشیره زاده میرزا مقیم کتابدار و میرزا

۴۳ اصل: سنی.

۴۴ اصل نسخه در اینجا حاشیه دارد که محل درستش معلوم نشد: شاگرد ملا محمد شفیع قمی و شاگرد بهتر از استاد.

۴۵ در اصل بی نقطه، صحیح آن معلوم نشد.

۴۶ اصل: حاوانی.

۴۷ در اصل بی نقطه، صحیح آن معلوم نشد.

۴۸ اصل: فروه.



[17a]

[17b]

ذکر احوال کمترین: هرچند که در عالم خوش نویس ها از همه شاگردان مرحوم والد خود و باقی خوش نویسان عهد در دنبال است و حُسن خطی که موجب امتیاز و افتخار باشد ندارد، اما قریب به چهل سال است که سررشته تعلیم خط نستعلیق در دست بنده و به این تقریب به خدمت اکابر و اصاغر ترک و تازیکی این ولایت و اهل هر دیاری که وارد این شهر شوند مشغول است و شعر ابوطالب کلیم که،  
در جهان طالع خاکستر صیقل دارم

خود سیه روز و هزار آینه روشن کردم<sup>۴۹</sup>

> لمؤلفه

نیستم قدری که گویم رطل و مُد<sup>۵۰</sup> گردیده‌ام

از گناه اما گران تر از اُخُد گردیده‌ام

چون خمیر ترش اگر خود نان نمی‌گردم ولی

مایه نان هزاران به ز خود گردیده‌ام <

ماصدق احوال بنده است. از فقیر هم فیض های وافی شافی به خلق الله رسیده که هر کس تعلیمی از بنده گرفت نشد که صاحب خطی و لب نانی نشود بلکه اکثر به اعلی مدارج // مراتب عالیة دینی رسیده صاحب مرتبه های بلند و خدمات ارجمند گردیده‌اند. شاید به این تقریب جمعی طلب مغفرتی بکنند یا از راه قدرشناسی نام این بی‌کس را گاه گاهی بر زبان جاری سازند یا در نوشته جات به تقریبات به خیر یاد فرمایند. از آن جمله چون مناسب مقام است به ذکر آن می‌پردازد: بیست و سه سال قبل از این یکروزی ارسطوی عهد، که قوت متخیلة افلاطون طفل رضیع افکار بدیع و خیالات دقیق متینش را مهد بود، اعنی غریقی رحمت ربانی بلبل گلشن سخندانی، نواب مستطاب فضایل مآب وحید الزمانی می‌فرمودند که اگر در خوش نویسی منشور خواهی، اول کسی که چیزی خواهد نوشت من خواهم بود. بعد از چند روز این فقرات را انشاد فرموده، قطعه‌ای برای بنده نوشته‌اند و عبارت آن قطعه این است:

نهال قابلیت شخصی که از قطعه زمین ترابها اصقل من الماء و ماؤها الطف من الهوا به بار آمده باشد صالح است که به گل های بدایع اعجاز منور و به روایح امتیاز معطر باشد. صدق فهم صادق و صحت // قول با نفس الامر مطابق دو گواه عدلند که شمیم نرگسی که از قلم سحر رقم این زبده الاقران به مشام ادراک رسیده از ریحان خط یاقوت لبان نشنیده و بنفشه‌ای که از جدول این خامه اعجاز شمامه بالا کشیده غبار

خط بناگوش سیمین عذاران به گرد آن نرسیده، زمان حصول ترقیات نزدیک و چشم بد دور باد.  
اما در این ایام که بازار کمالات کساد و خرمن هستی هنرمندان و ارباب استعداد نزدیک است به باد رود، چند بیتی به طرح مثنوی با یک دو رباعی که مبتنی بر این مطلب است خود موزون کرده، در این مقام ایراد می‌نماید و مسموع هوش و گوش هنرپروان هر عهد می‌سازد که هر چند روزگار بر ایشان تنگ گیرد باز از عهد خود راضی باشند.

مثنوی

چه شد حق سعی و کجاشد سپاس

چرا خلق گشتند حق ناشناس

چو نام تمیز از جهان گشت حک

[18a] پریزاد شد دیو و جن شد ملک //

ممیز چو نبود چه داند کسی

خزرفریزه سنجند با دُر بسی

به زور تملق چو انبای دهر

جهان را گرفتند و جُستند بهر،

کمالات را قدر کم شد چنان

که با خاک ره شد هنر توأمان

به غیر از خوش آمد که آن خوار نیست

کسی را دگر قدر و مقدار نیست

نصیبی ز دنیا - سخن مختصر -

هنرور ندارد به غیر از هنر

اگر رنج دیدیم و محنت بسی

بد از بخت ما بود نه از کسی

همه تلخی از طالع سست زاد

ولی در مذاقم چه شیرین فتاد

ز درد قناعت اگر خسته‌ام

[18b] دلی را به ابرام نشکسته‌ام //

به ویرانه‌ای گر نهانم چو گنج

ز مار طمع هرگز نیست رنج

اگر گوهرم ماند پایش به گل

ز الماس طبعان نشد سُفته دل

ز فلس وز درهم کفم گر تهی‌ست

چوماهی دلم در تب از تابه نیست

گرم نیست دار و ندارم دیار

به دار و دیار عاشقان را چه کار

اگر منتظم نیست وضعم چه غم

ز رزق مقدر نشد هیچ کم

<sup>۴۹</sup> اصل: خود سیه روز و به بر آینه روشن دارم؛ بیانی: خود سیه‌رو و هزار آینه روشن کردم؛ متن = دیوان کلیم کاشانی، به تصحیح ح. پرتو بیضانی.

<sup>۵۰</sup> اصل: بد.

[20a] // طبقهٔ دوم جمععی اند که سابق بر این ساعی در مشق و خوش نویسی بودند و الحال تارکند.

طبقهٔ سیم جمععی اند که بالفعل خوش نویسی و بر سر مشقند، بعضی به کتابت مشغول و برخی قطعه‌ها می‌نگارند و فوجی به مشق تنها اکتفا فرموده‌اند، دماغ خرده‌کاری‌های این فن ندارند و جوقی دیگر هستند که خود را از ننگ بد نویسی رها نیده صفای قلمی کسب کرده‌اند، پاره‌ای به همین اکتفا کرده متوجه شغل‌های دیگرند و طایفه‌ای باز سعی می‌کنند و مشاقند. به این ترتیب ذکر احوال گرامی هر یک از خدام کرام ایشان را بقدر توسعهٔ این مجموعه بیان می‌نماید. اما طبقهٔ اول: خانِ قدردان مغفور مبرور فضل‌علی خان قاجار، بیگلربیگی سابق ایروان، نوادهٔ امیرگونه خان مشهور، خیلکی صفای قلم داشت و به مژه می‌نوشت.

> دیگر میرزا ابوطالب خلف نواب وحید خوب می‌نوشت. دیگر مرحوم مهدی قلی سلطان حاکم [فسا] ۵۲ ولد مرتضی قلی خان قورچی باشی قاجار خوب می‌نوشت. مرحوم میرزا مسعود ولد میرزا صدرالدین محمد مستوفی الممالک جلی را بد نمی‌نوشت.

دیگر مرحمت و غفران پناه جنت آرامگاه، میرزا محمد عزیز، خلف میرزا محمد رحیم وزیر توپخانه مبارکه، قطع نظر از فضیلت و صفای طینت // در هر فنی از فنون این خط نهایت تسلط و قدرت داشت و بسیار شیرین و به مژه می‌نوشت و خوش نویسی بود.

دیگر مرحوم مغفور میرزا صدرالدین محمد ولد میرزا رحیم، وزیر سابق مازندران، خلف میرزا صادق مستوفی الممالک، بسیار خوش نویسی خوبی شده بود و نهایت قدرت قلم داشت. دیگر مرحوم آقا ولایت‌الله گلپایگانی طبع موزونی داشت. خوش شعر بود. کمالات دیگر هم داشت. خوش نویسی حسابی بود. کتابه در مدرسهٔ واقعهٔ چهارسوق محلهٔ بیدآباد خط اوست.

دیگر مرحوم میرزا محمد علی ولد میرزا سراجا نویسندهٔ ضابطه، خوش می‌نوشت.

دیگر مرحوم میرزا محمد رضا ولد میرزا عبدالکریم که مستوفی لاهیجان بود، خوب می‌نوشت.

طبقهٔ دویم: مخادیم کرامی که به سبب مناصب و خدمات و به تقریبات دیگر تارکند، عالیجاه میرزایی مخدوم الانامی، میرزا محمد داود، متولّی روضهٔ رضویه - علی مشرفها ألف ألف الثنا و التّحیة - کمالات صوری و معنوی ایشان چه احتیاج به حصر دارد، یک وقتی خوش می‌نوشتند. حالا تارکند.

بقدر ضرورت به هر اسم و رنگ

رسد روزی ما به ما بی درنگ

کسی کو به حکم خدا راضی است

نه در فکر مستقبل و ماضی است

شبی مطربی زنگم از دل زدود

که می‌گفت سرخوش به آهنگ رود

// که ای بی خبر چندگاهی ز غم

چرا گشته‌ای مبتلای الم

ز قید علایق بر آ فرد شو

در این آسیابان مشو گردشو

برو ایمن از جور افلاک باش

دل آسوده از پاک و ناپاک باش

ز سیل حوادث گریزان مشو

به موج نسیمی تو ویران مشو

بجز لطف حق کیست یاد آورت

به هنگام سختی که شد یاورت

چه باشی از این خلق اندیشه‌ناک

چو کار است در دست یزدان پاک

«خدا کشتی آنجا که خواهد برد

اگر ناخدا جامه در تن درد»

رباعی

یارب ز چه رو کسی غمین نشیند

با بخت بد خویش به کین نشیند //

تاروسیه درگه حق کس نشود

نقشش به مراد چون نگین نشیند

رباعی

قفل در رزق را که سعی است کلید

با چشم به جز ۵۱ من که به این راه دوید

چون پنبه که تازه بشکفد چشم ترم

از بهر قبای دیگران گشته سپید

رباعی

آنها که در این دیر فنا یار همنند

پیوسته پی شکست بازار همنند

ارباب کمال را هنر معشوق است

گرنیست چنین بهره‌چرخه اغیار همنند

قلم اینجار سید و سر بشکست، دراز نفسی را امید عفو است.

احوال جماعتی که کمترین را در ذمهٔ ایشان حق تعلیمی هست

و در طی طریق تحصیل خط راهنمای ایشان بوده‌ام، چند طبقه‌اند:

اولاً چندین نفر بودند که همه خوش نویسی حسابی بودند

و اکنون نیستند. شمع قلم از صرصر مفارقت ایشان

خاموش و صفحهٔ مشق در ماتمشان سیه‌پوش است.

[19a]

[19b]





> میرزایی میرزا علینقی، برادر عالیجاه حکیم‌باشی، خوش می‌نوشته. حالا فرصت مشق ندارد. عالیحضرت سبحان ویردی‌بیگ<sup>۵۳</sup> خلف و برادر امیر آخورباشی درست را خوب اما شکسته را بهتر می‌نویسد. دیگر عالیحضرت میرزا اسمعیل و میرزایی میرزا محسن و میرزا ابوالقاسم اخلاف نواب وحید به زیور کمالات دیگر آراسته و پیراسته و خوش‌نویس و مهذب الاخلاقند. میرزا داود ولد مرحوم میرزا ابوالحسن و میرزا ابوتراب ولد میرزا عبدالله، نواده‌های نواب وحید [و] میرزا علی‌اکبر نواده عالیقدر وزیر قورچی، هر سه خوش می‌نویسند. < عالیجاه فتحعلی‌خان امیرشکارباشی و بیگلربیگی شیروان خوش‌نویس و تارکند.

مقرب الخاقان صاحبی // بندگان پناهی میرزایی میرزا محمدربیع مستوفی سرکار خاصه شریفه، کمالات دیگر ایشان از حیث تقریر بیرون، یک‌وقتی مشق می‌فرمودند و خوب می‌نوشتند. حالا تارکند.

عالیجاه محمد قلی‌خان حاکم کرمانشاهان است، اینجاها که تشریف داشتند دماغ مشق نستعلیق و نسخ هر دورا داشتند. بعد از فراغ از مباحثه مشق می‌فرمودند و خوب می‌نوشتند. عالیحضرت میرزا محمدکریم، ناظر دفترخانه، اگرچه شاگردش اگر دهنده است، اما خوب می‌نویسد. حالا تارک است، به حلیه کمالات دیگر نسبی آراسته است.

فضیلت و افادت پناه، مولانا محمدشفیع لاهیجی<sup>۵۴</sup> داماد آخوند ملا محمدتراب<sup>۵۵</sup> خوش می‌نویسد. حالا تارک است. عالیحضرت میرزایی میرزا محمدصادق، وزیر سابق موقوفات، مدتی در پیش والد بنده و قدری هم پیش بنده مشق کرده‌اند و خوب می‌نوشتند. حالا تارکند. عالیحضرت میرزایی میرزا محمدحسین، وزیر مازندران بسیار خوب می‌نوشتند. حالا تارکند.

مستجمع کمالات صوری و معنوی، عالیحضرت میرزایی میرزا ابوطالب سرخط‌نویس شکسته را به طور مرحوم شفیعاً بسیار به‌رتبه می‌نویسد. نستعلیق را هم یک‌وقتی به‌صفا می‌نوشتند. // یک سطر از بنده تعلیم و سرمشق گرفته‌اند و باقی اوقات در پیش مرحوم میرزا محمدرضا مشق می‌فرمودند. > دیگر میرزا حسن نصیری کمالاتش سوای خوش‌نویسی فراوان و به تحریر تاریخ سلطانی مشغول، فرصت مشقی ندارند. تألیف را به سیاق هشت بهشت می‌فرمایند. نهایت افضل از ملا ادریس‌اند.<sup>۵۶</sup>

دیگر میرزانقی، خلف مرحوم مبرور میرزا مسیح برادرزاده نواب وحید طالب علم و متقی و خوب می‌نویسد. < عالیحضرت میرزایی میرزا معصوم، وزیر رامکوه، برادر میرزا محمدحسین بسیار خوش می‌نویسند، اما حالا تارکند. عالیقدر میرزا زین‌العابدین، برادر دیگر ایشان، شکسته را مثل مرحوم شفیعاً و نستعلیق را خوب می‌نویسد. اما تارک است. عالیقدر میرزا محمدرفیع، خلف میرزا محمدکریم، وزیر سابق رشت، خوش می‌نویسد. اما تارک است. عالیحضرت میرزا حبیب‌الله مستوفی قورچی پیش از این خوب می‌نوشتند، حالا تارکند.

میرزا ابوالقاسم، برادر مشارالیه، نویسنده قورچی، بسیار خوب می‌نویسد، اما تارک مشق است. عالیحضرت میرزا سید رضا نواده میرزا شاه‌تقی معروف است و احتیاج به تعریف ندارد. خوش می‌نویسند، اما تارکند. میرزا محمدصالح منشی، خلف میرزا کاظم، نویسنده ضابطه، بسیار خوش می‌نویسد، اما تارک است.

میرزا جعفر، برادرش، خوب می‌نویسد. حالا مشق نمی‌کند. میرزا عنایت ولد میرزا طیب، نویسنده ضابطه، بسیار خوب می‌نویسد، اما تارک است.

عالیحضرت میرزا محمدرفیع کلانتر دارالسلطنه // اصفهان خوش‌نویس بودند، اما مدت‌ها است که تارکند. [22a] میرزا محمدبیگ مدارالیه عالیجاه قولر آقاسی از خوش‌نویسان معروف است، اما تارک است. میرزایحیی و میرزا اسمعیل ولدان میرزا سراجا، هر دو خوش می‌نویسند، اما تارکند.

احمدبیگ نواده عالیحضرت معصوم‌علی‌بیگ ناظر دواب خوش می‌نوشت. حالا تارک است. شیخ عبدالله گیلانی بسیار خوب می‌نوشت. حالا تارک است.

میرسید محمد رقم‌نویس ولد میر جعفر قزوینی خوش‌نویس است. حالا رقم می‌نویسد. والدش از خوش‌نویسان بود. میرزا ابراهیم ولد حکیم ابوطالب اردبیلی بسیار خوش می‌نویسد، اما حالا طیب است.

میرزا اسمعیل همشیره‌زاده میرزا زین‌العابدین وزیر سابق کوه‌کیلویه بسیار خوب می‌نویسد. حالا طیب و تارک است. حضرت مخدومی میرزا محمدتقی ولد میرزا هدایت‌الله جابری در کمال قابلیت، و موزون و خوش‌شعر و خوش‌نویس‌اند، اما تارکند.

<sup>۵۴</sup> بیانی: لاهیجی.

<sup>۵۶</sup> کذا فی الاصل.

<sup>۵۳</sup> اصل: سبحان ویرودی بیگ.

<sup>۵۵</sup> بیانی: ملا محمد سرابی.



اما در نستعلیق دستی در نقل دارند. فرق میان اصل و نقل ایشان نمی‌توان کرد، و کوفی را هم خوش می‌نویسند، و امروز خط تعلیق در بند ایشان و با ملا درویش و ملا اختیار هم قدرند. عالیحضرت میرزا ابوالمعالی، نقیب‌الاشرف دارالسلطنه اصفهان، چهارمصرع‌نویسی در بند ایشان است، و بسیار تند و به صفا و به قدرت و به اندام. هر قلمی را می‌نویسند، اما کم‌مشق‌اند.

[23b] دیگر میرزایی میرزا محمدتقی، نواده نواب // وحید، در فضیلت و کمالات دیگر مثل شعر و انشاء سرآمد و نستعلیق را بسیار به قدرت و به اندام و به مزه و چسبان می‌نویسند و بر هر قلمی مسلط‌اند.

میرزا زین‌العابدین رقم‌نویس، صبیّه‌زاده نواب وحید، همچنین در فضیلت و شعر و انشاء بی‌نظیرند و خوش‌نویس سرآمد و صفای قلم در مشق امروز در بند ایشان است.

میرزا نصیر خلف<sup>۵۷</sup> مرحوم میرزا یوسف، وزیر سابق توپخانه، فاضل و خوش‌نویس. اما حالا در رام‌کوه و مستوفی آنجا است.

میرزا اشرف، برادر دیگرش و میرزا هاشم، برادر دیگر، هر دو خوب می‌نویسند.

اولاد کرام عالیجاه متولی، میرزا ابوالقاسم و میرزا عبدالله و میرزا محمدعلی و میرزا محمدحسین و میرزا محمدرضا همه خوش‌نویس و به زیور کمالات دیگر هم محلی‌اند.

میرزا زین‌العابدین، خلف مرحوم میرزا علی‌اکبر مستوفی خاصه، جوانی است در نهایت فضیلت و قابلیت در شعر و انشاء، نسخ و شکسته را خوب می‌نویسد، اما در نستعلیق خوش‌نویس است.

[24a] میرزا کاظم، همشیره‌زاده عالیقدر سرخط // نویس بسیار خوب می‌نویسد.

میرزا ابراهیم ولد میرزا محمدتقی، نویسنده ضابطه، خوب می‌نویسد. بر سر مشق است.

میرزا معین خلف میرزا غیاث وزیر قیچاچیخانه<sup>۵۸</sup> بسیار پرزور و به مزه می‌نویسد.

میرزا محمدحسین ولد مرحوم میرزا حبیب‌الله نویسنده قورچی از سادات نطنزند، خفی و جلی را بسیار خوب می‌نویسد.

میرزا معصوم، وزیر حلال، و میرزا جعفر، برادر ایشان، نواده‌های میرزا جعفر قاضی، هر دو خوش‌نویسند.

میرزا نورای، نواده مرحوم میرزا منصور، مستوفی اصفهان بر سر مشق است. خوب می‌نویسد.

میرزا محمدامین، برادر مستوفی موقوفات ممالک محروسه، در فضیلت و شعر و انشاء سرآمد است. بسیار خوب // می‌نوشت. حالا تارک است.

میرزا محمدهادی برادرش به شرح ایضاً.

> میرزا عبدالحسین برادرزاده میرزا جعفر وزیر شیروان خوب می‌نویسد.

میرزا محمدعلی ولد میرزایی میرزا محمدکاظم وزیر قندهار خوب می‌نویسد. <

میرزا محمدعلی، نویسنده خاصه، گاهی مشق می‌کند. خوب می‌نویسد.

میرزا محمدهاشم و میرزا محسن، مشرف‌های طویله، ولدان میرزا باقر، هر دو خوب می‌نوشتند، اما حالا تارکند.

میرزا رحیم ولد حاجی ابوالعالی عباس‌آبادی خوب می‌نویسد. حالا تارک است.

میرزا اشرف، عموزاده و میرزا بهاء‌الدین محمد، همشیره‌زاده و میرزا محمدعلی، عموزاده عالیجاه مستوفی باقی، هر سه خوب می‌نویسند. حالا تارکند.

میرزا محمدجعفر، وزیر امیرشکارباشی، منشی و شاعر و شکسته و نستعلیق را خوب می‌نویسد. حالا تارک نستعلیق است. اما خوش‌نویس زبردست شیرین به مزه بود.

میرزا فاضل، وزیر سابق ارسین، خوب می‌نوشت. مدّت‌ها است تارک است.

میرزا محمد تفرشی، وزیر معیرالممالک، خوب می‌نوشت. تارک است.

میرزا نظام‌الدین احمد، نویسنده اوارجه فارس، بسیار خوش می‌نوشت. سال‌ها است ترک کرده.

میرزا محمدابراهیم همدانی، وزیر نخجوان، خوش‌نویس خوبی شده بود. مدّت‌ها است تارک است و به خدمات دیوانی // اشتغال دارد.

[23a] طبقه سیم: عزیزانی اند که حالا بر سر مشق‌اند: مخدوم و ملاذ حقیقی عالیقدر مقرب‌الحضرت العلیّه‌العالیّه، محمدقاسم بیگ قاجار، دوات‌دار نقوش خاتم سلطانی، نواده امیرگونه‌خان، بسیار حمیده خصلت نیکوسیرتند. بعد از فراغ از عبادات، طرف‌های عصر مشغول مشق می‌شوند، خط شریفشان بسیار به قدرت و دل‌ریا و قلم دودانگه امروز در بند ایشان است.

عالیحضرت مخدوم‌الانامی میرزا عبدالله نواده نواب مغفور خلیفه سلطان اکثر خطوط معروف را خوب و خوش می‌نویسند. کمالات دیگرشان از حیطة حصر بیرون است،

<sup>۵۷</sup> اصل نسخه در اینجا حاشیه دارد که محل درستش معلوم نشد: نواب وحید و میرزا تقی ولد.

<sup>۵۸</sup> اصل: قیچاچیخانه.

> میرزا باقر [۵۹] برادر و پسر میرزا یوسف، [نویسنده] ضابطه، بر سر مشق اند. خوب خواهند شد. آقا مرتضی ولد ملا محتشم خوب می نویسد. میرمهدی از سادات کوه کیلویه است خوب می نویسد. دیگر میرزا مهدی ولد افادت<sup>۶۰</sup> پناه مولانا محمدرحیم قهپایی<sup>۶۱</sup> اصفهانی خفی و جلی را خوب می نویسد و مشغول کتابت تاریخ سلطانی است. میرزا سعید ولد میرزا قاسم از سادات این جاها خوش نویس و به کتابت مشغول است. میرزا یحیی ولد مرحوم میرزا سراجا، نویسنده ضابطه، خوب می نویسد. فرصت مشقی ندارد. آقا اسمعیل ولد شیخ عزیز اصفهانی خوب می نویسد. میرزا عبدالوهاب ولد میر ابوتراب خوب می نوشت. حالا تارک است.

میرزا محمدحسین، خلف میرزایی میرزا محمدرضی، برادر عالیجاه مقرب الخاقان حکیم باشی، خوش نویس است. میرزا محمدحسین ولد میرزا ابوالحسن منجم خوب می نویسد. میرزا محمدرضی ولد مقرب الخاقان منشی الممالک، کمالات دیگرش از فضیلت و انشاء و شعر فارسی و ترکی چه احتیاج به تعریف دارد. خوش نویس بسیار خوبی است و در خفی و جلی کمال تسلط دارد. میرزا علی نقی، خلف // عالیجاه میرزا ابوالقاسم واقعه نویس، خوش نویس است. میرزا محمدحسین، برادرش هم خیلکی درست و به مزه می نویسد.

مولانا محمد نبی رازی، من اعمال ولایت درون، خوش نویس خوبی است و در کتابت نظیر خود ندارد و مردی است مذهب الاخلاق و اظهار محبت زیادی به بنده می کند. توفیق یابد.

ملا محمدتقی قزوینی از جمله عملة کتابخانه و بر سر مشق و خوش نویس است. ملا عبدالصمد بهسانی<sup>۶۲</sup> از جمله عملة کتابخانه و کاتب خوبی است.

آقا نورای قزوینی، خوش نویس و کاتب خوبی است. ملا عبدالعالم کرهرودی خوش نویس است. خفی و جلی را خوب می نویسد. محمدزمان بیگ غلام، خوب می نویسد. محمودبیگ ولد نجف قلی بیگ قاپوچی شاملو خوب می نویسد.

آقا محمدعلی ولد ملا خدای ویردی اردبیلی، خوب می نویسد. سودای زیادی دارد.

میرزا عیسی و میرزا یحیی و میرزا موسی، اخلاف میرزا ابوالفتح، وزیر استرآباد، هر سه بر سر مشق با دو برادرزاده اش همه خوب می نویسند // و بهتر هم خواهند شد.

[25a]

دیگر، آقا رحیم برادرزاده ملا محمدباقر الموتی بسیار خوش نویس خوبی است. نهایت تسلط دارد. ملا قنبرعلی نوری در نور است. خوش نویس است. آقا شریف تفرشی، خوش نویس است. در تفرش است. میرزا محسن تفرشی، خوش نویس پرزوری است. به کتابت مشغول است.

آقا عبدالمنعم عرب اصفهانی المولد، خوش نویس است. صاف می نویسد.

آقا رحیم حکاک، ولد آقا ربیع اصفهانی خوش نویس است. میرزا یحیی ولد میرزا رفیع کهدمی، وزیر سابق رامکوه، بسیار صاف و به قدرت و به صفا و به مزه می نویسد. خوش نویس است. آقا محمدجعفر ولد آقا کمال قمی اصفهانی المولد، خوش نویس و بر همگی فنون خط مسلط و به صفا و چسبان و به مزه می نویسد.

میرزا محمد مؤمن ولد میرزا شمس الدین محمد اصفهانی، بر سر مشق است و به صفا می نویسد.

میرزا معصوم ولد میرزا سراجا، نویسنده ضابطه، بر سر مشق است خوب می نویسد.

میرزا ابوطالب ولد میرزا مؤمن، خوب می نویسد.

[25b]

// میرزا ابوالفتوح گلستانه خوش نویس است، اما مشغول اعمال دیوانی است.

ملا اسمعیل الموتی، خوب می نویسد.

ملا محمدتقی ولد ملا محمدجعفر اصفهانی، خوب می نویسد. بنده زاده، میرزا محمد، با برادر دیگرش محمدجعفر هر دو مشق می کنند. چون می خواست که اسم ایشان در این تذکره باشد، لهذا اسم ایشان را نوشت تا خطی به هم رسانند. میرزا رشید عباس آبادی نقاش بی مثلی است، خوب هم می نویسد. و این حقیر نیز شکسته و نستعلیق و نسخ را بد نمی نویسم.

تمام شد کتاب تذکره الخطاطین  
در تاریخ بیستم فروردین ۱۳۱۲  
مطابق با سیزدهم ذی حجة الحرام  
یک هزار و سیصد و پنجاه و یک  
جواد کمالیان  
(امضا)

۶۰ اصل: + افادت.

۶۲ در اصل بدون نقطه. صحیح آن معلوم نشد.

۵۹ اصل نسخه افتادگی دارد.

۶۱ اصل: قهپایی.





## نمایه

- حسین لواسانی - آقا 14a  
 خان بیگ - میرزا (ولد ملا علیرضای عباسی) 14a  
 خان محمد - میرزا 10a  
 خلیل - میرزا (ولد میرزا فصیح) 12a  
 خلیل قزوینی - ملا 10b  
 خلیل هروی - میر 5a  
 خوش نویس خان - جمشید بیگ غلام  
 داود - میرزا (ولد میرزا ابوالحسن) 20b  
 درویش - ملا 23a, 3b  
 دوستعلی قراقانی - ملا 10b  
 رحیم - آقا 25a  
 رحیم - شیخ 3b  
 رحیم - میرزا (خلف صادق مستوفی الممالک) 20b  
 رحیم - میرزا (ولد حاجی ابوالعلائی عباس آبادی) 22b  
 رحیم حکاک - آقا (ولد آقا ربیع اصفهانی) 25a  
 رستم دستان 8a  
 رشید(ی) - آقا 10a, 9b, 8a, 7b  
 رشید عباس آبادی - میرزا 25b  
 رشیدی اصفهانی - بابونه گرجی  
 رضا - میرزا سید 21b  
 رضای نقاش اصفهانی - آقا 15a  
 رفیعای قزوینی 15b  
 رکن - حکیم 14a  
 زین الدین محمود 4b  
 زین العابدین (زرنشان ساز) 15a  
 زین العابدین - ملا 3b  
 زین العابدین - میرزا 21b  
 زین العابدین - میرزا (خلف میرزا علی اکبر) 23b  
 زین العابدین رقم نویس - میرزا (صبیه زاده نواب وحید) 23b  
 سام نریمان 8a  
 ساوجی - میر 8b  
 سبحان ویردی بیگ 20b  
 سعید - میرزا سید (ولد میرزا قاسم) 24a  
 سلطان علی مشهدی - ملا 4b, 4a  
 سلطان محمد اصفهانی - ملا 16a  
 سلطان محمد خندان - ملا 4a  
 سلطان محمد قروه (؟) اصفهانی - ملا 16a  
 سلطان محمد نور - ملا 4b  
 سلطان ویس 3a  
 سلیمان خاوانی (؟) اصفهانی - ملا 16a

- اسمعیل - میرزا (ولد میرزا مقیم) 15b  
 اشرف - میرزا (عموزاده عالیجاه مستوفی باقی) 22b  
 اشرف - میرزا (؟) (خلف میرزا یوسف) 23b  
 اشرف حکیم - آقا (ولد حکیم شمس) 11b  
 اظهر هروی - ملا 4a  
 افضل جنابدی - میرزا 15b  
 افلاطون 17a  
 اکبر - میرزا 11b  
 القاص میرزا - صفی قلی خان  
 امیر گونه خان 23a, 20a  
 امین - میرزا (برادر نواب وحید) 12a  
 امین - میرزا (ولد نوری بیگ تبریزی) 11b  
 باباشاه اصفهانی - ملا 4b  
 اسمعیل الموتی - ملا 25b  
 بابونه گرجی (رشیدی اصفهانی) 12b  
 باقر - میرزا 12b  
 باقر - ملا (ولد ملا میرعلی) 4b  
 بدیع نصر آبادی - میرزا 15b  
 بهاء الدین محمد - میرزا 22b  
 پیرمحمد صوفی 3a  
 تقی - میرزا (ولد میرزا نورای) 14b  
 تقی نصر آبادی - میرزا 15b  
 جعفر - میرزا (نواده جعفر قاضی) 24a  
 جعفر - میرزا (وزیر شیروان) 22b  
 جعفر - میرزا (خلف میرزا کاظم) 21b  
 جعفر قاضی - میرزا 11b  
 جعفر قزوینی - میر 22a  
 جعفر هروی - ملا 4a  
 جمشید بیگ غلام (خوش نویس خان، نواب خان) 9a  
 جواهر رقمی - علی (ولد میرزا مقیم)  
 حافظ نصیر مکی 3a  
 حبیب الله - میرزا 21b  
 حسن خان 13b  
 حسن - میرزا (صاحب رقم کرمانی) 15a  
 حسن علی عطار - میرزا 12b  
 حسن نصیری - میرزا 21b  
 حسیب - میرزا 13a  
 حسیب - میرزا (ولد میرزا طاهر خوزانی) 11a  
 حسین - آقا 14b  
 حسین - میرزا 15b

## کسان

- ابراهیم - میرزا (ولد حکیم ابوطالب اردبیلی) 22a  
 ابراهیم - میرزا (ولد میرزا محمد تقی) 24a  
 ابراهیم - میرزا (ولد میرعماد) 9a, 7b, 6b, 6a  
 ابراهیم قمی - آقا 16a, 15a  
 ابن حسین تبریزی - ملا 13b  
 ابن مقله 2b  
 ابوالبقای ابرقوی - میر 14a  
 ابوالحسن - میرزا (خلف نواب وحید) 10b  
 ابوالحسن - میرزا (ولد میرزا نورای) 14b  
 ابوالحسن قائینی - میرزا 10b  
 ابوالفتح انجوی شیرازی - میرزا 11b  
 ابوالفتح گلستانه - میرزا 25b  
 ابوالقاسم - میرزا (مجلس نویس) 14b  
 ابوالقاسم - میرزا (نویسنده قورچی) 21b  
 ابوالقاسم - میرزا (خلف نواب وحید) 20b  
 ابوالقاسم - میرزا (ولد عالیجاه متولی) 23b  
 ابوالمعالی - میرزا 23a  
 ابوتراب - میرزا (ولد میرزا عبدالله) 20b  
 ابوتراب اصفهانی - میرزا 10b, 8a  
 ابوطالب - میرزا (سرخط نویس) 21a  
 ابوطالب - میرزا (صدر سابق) 13b  
 ابوطالب - میرزا (خلف نواب وحید) 20a  
 ابوطالب - میرزا (ولد میرزا مؤمن) 25a  
 ابوطالب کلیم 16b  
 احمد - میر سید 5a  
 احمد بیگ 22a  
 احمد جرفادقانی - ملا 9a  
 احمد مشهدی - میر سید 4b  
 احمد نیریزی - میرزا 16a  
 اختیار - ملا 23a, 3b  
 ادیس - ملا 21b  
 ارسطو 17a  
 ارغون 3a  
 اسمعیل - میرزا 22a  
 اسمعیل - میرزا (خلف نواب وحید) 20b  
 اسمعیل - میرزا (ولد میرزا سراجا) 22a  
 اسمعیل - آقا (ولد شیخ عزیز اصفهانی) 24a  
 اسمعیل - میرزا (ولد میرزا کاظم) 14a  
 اسمعیل - میرزا (ولد میرزا مسعود اصفهانی) 15a



- سیامک 2a  
شاه جهان 12a, 9b  
شاه تقی - میرزا 21b  
شاه محمود نیشابوری 4b  
شریف تفرشی - آقا 25a  
شفیعا - آقا 21b, 21a, 15b, 10b  
شعیمای رزه ای 4a  
شکون - ملا 13b  
شکوهی همدانی - ملا 9a  
شیخ زاده سهروردی 3a  
صادق - میرزا (مخدوم زاده عبدالحسین منشی الممالک) 11b  
صادق عرب - شیخ 15b  
صادق مستوفی الممالک - میرزا 20b  
صاین الدین ترکه - خواجه 11a  
صدرالدین محمد - میرزا (ولد میرزا رحیم) 20b  
صفی قلی خان (القاص میرزا) 11a  
صفی قلی خان استجلو 14a  
صیرفی ← عبدالله صیرفی  
طاهر سرکانی - آقا 15a  
طهمورث 2b, 2a  
عادل تبریزی - حاجی 13b  
عبدالباقی تبریزی - ملا 3b  
عبدالباقی دامغانی - ملا  
عبدالجبار (قزوینی، ابهری) - ملا 10a, 9b, 8b  
عبدالحسین منشی الممالک - میرزا 11b  
عبدالحسین - میرزا 22b  
عبدالحق سبزواری 3a  
عبدالرزاق - ملا، میر 9b, 8b  
عبدالصمد - ملا 24b  
عبدالعال - میر (نجات) 4a  
عبدالعلام کرهرودی - ملا 24b  
عبدالله - ملا (پسر میرعلی تبریزی) 4a  
عبدالله - میرزا (نواده نواب مغفور خلیفه سلطان) 23a  
عبدالله - میرزا (ولد عالیجاه متولی) 23b  
عبدالله - میرزا (ولد نواب وحید) 12a  
عبدالله صیرفی 3a  
عبدالله طباطب - ملا 3a  
عبدالله طیب 3a  
عبدالله گیلانی - حاجی (نجفی) 15b  
عبدالله گیلانی - شیخ 22a  
عبدالمنعم عرب - آقا 25a  
عبدالوهاب - میرزا (ولد میرابوتراب) 24a
- عبدی نیشابوری 4b  
علاءالدین محمد - میرزا 14b  
علاءالدین محمد گلستانه - میرزا 10b  
علا بیگ تبریزی - ملا 16a, 3b  
علا ی قزوینی - ملا 10a  
علی - میر 5a, 4b  
علی بن ابیطالب 2b  
علی بن بواب 3a  
علی - میرسید (ولد میرزاقیم) (جواهررقمی) 13a, 12b  
علی تبریزی - میر 4a  
علی فایضی - ملا 5a  
علی فایضی باجراحی (؟) اصفهانی - ملا 13b  
علی اکبر - میرزا 20b  
علی بیگ قمی - ملا 10b  
علی خان بیگ توپسرکانی 13b  
علیرضا عباسی - ملا 3b  
علیرضا عباسی تبریزی - ملا 7a  
علیرضای رمزمه (؟) اصفهانی - ملا 13b  
علینقی - میرزا 20b  
علینقی - میرزا (خلف میرزا ابوالقاسم) 24a  
علینقی کرمانی - میرزا 15a  
عماد - میر 7b, 7a, 6b, 6a, 5a  
عنایت - میرزا (ولد میرزا طیب) 21b  
عنایت شوشتری - میر 16b  
عیسی - میرزا (خلف میرزا ابوالفتح) 24b  
عیسی بیگ رنگه نویسی 5b  
غیاث الدین 4b  
فاضل - میرزا 22b  
فتح الله اصفهانی - ملا 16a  
فتح الله کاشانی - ملا 16a  
فتحعلی خان 20b  
فصیح - میرزا (برادر نواب وحید) 12a  
فصیحی هروی - میرزا (ملک الشعرا) 4a  
فضل علی خان قاجار 20a  
قطب شاه 12b  
قنبرعلی نوری - ملا 25a  
کاظم - میرزا (خویش میرعماد - پسر ملا عبدالرزاق) 10a  
کهنه قمی ← محمد علی  
کاظم - میرزا (همشیره زاده عالیقدر سرخط نویسی) 23b  
کاظم - میرزا (مخدوم زاده عبدالحسین منشی الممالک) 11b  
کیومرث 2a  
لطیفا اصفهانی 11b
- لطیفا تبریزی 11b  
مالک دیلمی - ملا 5b, 4b  
مبارک - ملا 15a  
مبارک شاه زرین قلم 3a  
محراب بیگ قزوینی 9a  
محسن - میرزا (خلف نواب وحید) 20b  
محسن - میرزا (ولد میرزا باقر) 22b  
محسن تفرشی - میرزا 25a  
محسن قمی - میرزا 15b  
محسنا - آخوند 3b  
محمد - حاجی (هدی) 9b  
محمد - میرزا (ولد محمد صالح اصفهانی) 25b  
محمد ابریشمی - ملا 4b, 4a  
محمد بنددوز - حاجی 3a  
محمد تفرشی - میرزا 22b  
محمد رقم نویس - میرسید (ولد میر جعفر قزوینی) 22a  
محمد نبی رازی 24b  
محمد ابراهیم پسر ملا علای قزوینی 10a  
محمد ابراهیم واقعه نویس - میرزا 10b  
محمد ابراهیم همدانی - میرزا 22b  
محمد امین - میرزا 22a  
محمد امین - میرزا (پسر میرزا کاظم) 10a  
محمد امین مشهدی - ملا 14a, 12b  
محمد باقر الموتی - ملا 25a  
محمد بیگ - میرزا 22a  
محمد تراب - ملا 21a  
محمد تقی - آقا 10b  
محمد تقی - میرزا 23a  
محمد تقی - میرزا (ولد حاجی حق داد عطار) 13b  
محمد تقی - ملا (ولد ملا محمد جعفر اصفهانی) 25b  
محمد تقی - میرزا (ولد میرزا هدایت الله جابری) 22a  
محمد تقی قزوینی - ملا 24b  
محمد جعفر - میرزا (وزیر امیرشکار باشی) 22b  
محمد جعفر - آقا (ولد آقا کمال قمی اصفهانی) 25a  
محمد جعفر (ولد محمد صالح اصفهانی) 25b  
محمد جعفر امامی 3b  
محمد حسین - ملا (نورس دماوندی) 15b  
محمد حسین - میرزا (وزیر مازندران) 21b, 21a  
محمد حسین - میرزا (ولد عالیجاه متولی) 23b  
محمد حسین - میرزا (خلف میرزا ابوالقاسم) 24b  
محمد حسین - میرزا (خلف میرزا محمدرضی) 24a  
محمد حسین - میرزا (ولد میرزا ابوالحسن منجم) 24a



نواب خان ← جمشید بیگ غلام  
 نواب خاقان رضوان مکان 9b  
 نواب خاقان طوبی آشیان 14a  
 نواب خاقان گیتی ستان 6b, 5a  
 نواب وحید (← محمد طاهر وحید) 17a  
 نورای - آقا، میرزا (ولد ابوتراب اصفهانی) 14b, 11a  
 نورای - میرزا (نواده میرزا منصور مستوفی اصفهان) 24a  
 نورای - میرزا (ولد قاضی غلام علی) 13b  
 نورای قزوینی - آقا 24b  
 نورای لاهیجی 9b, 8b  
 نورس دماوندی ← محمد حسین  
 ولایت الله گلپایگانی - آقا 20b  
 هادی اصفهانی - آقا 16a  
 هادی - میرزا (خلف میرزا محمدرضا) 13a  
 هاشم - میرزا (؟) (خلف میرزا یوسف) 23b  
 هلال - ملا 15a  
 هوشنگ 2b, 2a  
 یاری - ملا 15a  
 یاقوت مستعصمی 15b, 3a  
 یحیی - میرزا (همشیره زاده نواب وحید) 12a  
 یحیی - میرزا (خلف میرزا ابوالفتوح) 24b  
 یحیی - میرزا (ولد میرزا رفیع کهدمی) 25a  
 یحیی - میرزا (ولد میرزا سراجا) 24a, 22a  
 یحیی قزوینی - ملا (همشیره زاده میر) 10b, 9b, 8b  
 یوسف مشهدی 3a  
 یوسف - میرزا (برادر نواب وحید) 12a

**کتابداران و ملازمان و عمال کتابخانه**  
 جمشید بیگ غلام (عملة کتابخانه) 9a  
 میرزا کاظم (خویش میرعماد) (ملازم کتابخانه) 10a  
 آقا شفیعا (پسر ملا عبدالجبار) (م ک) 10b  
 آقا نورای (ولد اکبر میرزا ابوتراب) (م ک) 11a  
 میرسید علی (ولد میرزا مقیم) (کتابدار) 12a  
 میرزا هادی (خلف میرزا محمدرضا) (م ک) 13a  
 میرزا محمد علی (خلف میرزا محمدرضا) (م ک) 13a  
 میرزا تقی (ولد میرزا نورای) (م ک) 14b  
 میرزا محمد علی (ولد میرزا نورای) (م ک) 14b  
 میرزا ابوالحسن (م ک) 14b  
 میرزا مسیح (م ک) 14b  
 میرزا حسین (همشیره زاده میرزا مقیم) (ک) 15b  
 ملا محمد تقی قزوینی (ع ک) 24b  
 ملا عبدالصمد بهسانی (؟) (ع ک) 24b

محمد قلی خان 21a  
 محمد کریم - میرزا 21a  
 محمد مؤمن - میرزا (ولد میرزا شمس الدین محمد اصفهانی) 25a  
 محمد هادی - میرزا 22b  
 محمد هاشم - میرزا (ولد میرزا باقر) 22b  
 محمود بن اسحق الشهابی - خواجه 5a, 4b  
 محمود بیگ (ولد نجف قلی بیگ قاپوچی شاملو) 24b  
 مختار بیگ قزوینی 9a  
 مرتضی - آقا (ولد ملا محتشم) 24a  
 مرتضی قلی سلطان (ولد حسن خان) 15b  
 مستعصم عباسی 3a  
 مسعود - میرزا (ولد میرزا صدر الدین محمد مستوفی الممالک) 20a  
 مسیح - میرزا (ولد میرزا فصیح) 12a  
 مسیح - میرزا (ولد میرزا نورای) 14b  
 مسیحی کاتب شیرازی 13b  
 معز شوشتری - میر 16b  
 معز الدین محمد - میر 5a  
 معصوم - میرزا (وزیر حلال) 24a  
 معصوم - میرزا (وزیر رام کوه) 21b  
 معصوم - میرزا (ولد میرزا سراجا) 25a  
 معصوم علی بیگ 22a  
 معین - میرزا (خلف میرزا غیاث) 24a  
 مقرب الخاقان حکیم باشی 24a  
 مقرب الخاقان منشی الممالک 24a  
 مقصود - حاجی 3b  
 مقصود تروردی (؟) - میر 15b  
 مقصود مسگر قزوینی 7b, 7a, 6a  
 مقیم - میرزا 15b, 12a  
 منصور - میرزا (مستوفی اصفهان) 24a  
 مهدی - میرسید 24a  
 مهدی - میرزا (ولد محمد رحیم قهبای اصفهانی) 24a  
 مهدی قلی سلطان (ولد مرتضی قلیخان) 20a  
 موسی - میرزا (خلف میرزا ابوالفتوح) 24b  
 محمد هادی - میرزا 22b  
 نجات ← عبدالعال  
 نجفی ← عبدالله گیلانی  
 نجمای لازی 12a  
 نصرالله طیب 3a  
 نصیر - میرزا (؟) (خلف میرزا یوسف) 23b  
 نصیر - میرزا (ولد شیخ یحیی قزوینی) 12b  
 نظام الدین احمد - میرزا 22b  
 نعیمی داملی (؟) 13b  
 نقی - آقا (پسر آخوند محسنا) 3b  
 نقی - میرزا (خلف میرزا مسیح) 21b

محمد حسین - میرزا (ولد میرزا حبیب الله) 24a  
 محمد حسین - میرزا (ولد میرزا شکرالله) 3b  
 محمد حسین تبریزی - ملا 13b, 7a, 5b, 5a  
 محمد حسین رزهای 4b  
 محمد حسین صابونی - میرزا 3b  
 محمد حسین ضابطه نویس - میرزا 11b  
 محمد داود - میرزا 20b  
 محمد ربیع - میرزا 21a  
 محمد رحیم - میرزا 15a  
 محمد رحیم عقیلی - میرزا سید 11a  
 محمد رضا - میرزا (خالوزاده میرسید علی) 12b  
 محمد رضا - میرزا (ولد عالیجاه متولی) 23b  
 محمد رضا - میرزا (ولد حاجی حق داد عطار) 13b  
 محمد رضا - میرزا (ولد میرزا عبدالکریم) 20b  
 محمد رضا امامی اصفهانی - ملا 3b  
 محمد رضابیک 3b  
 محمد رضای حکیم باشی - میرزا 11a  
 محمد رفیع - میرزا (کلانتر اصفهان) 21b  
 محمد رفیع - میرزا (خلف میرزا محمد کریم) 21b  
 محمد رفیع - میرزا (ولد منشی الممالک) 24a  
 محمد زمان بیگ 24b  
 محمد شفیع قمی - ملا 15b  
 محمد شفیع لاهیجی (لاهیجی) 21a  
 محمد صادق - میرزا 21a  
 محمد صالح بن ابی تراب اصفهانی 1b  
 محمد صالح خاتون آبادی - ملا 8b  
 محمد صالح منشی - میرزا (خلف میرزا کاظم) 21b  
 محمد صالح مولوی اصفهانی - ملا 3b  
 محمد طاهر وحید اعتمادالدوله - میرزا (نواب وحید) 13a  
 محمد عزیز - میرزا (خلف میرزا محمد رحیم) 20a  
 محمد علی (کهنه قمی) 13b  
 محمد علی - میرزا (عموزاده عالیجاه مستوفی باقی) 22b  
 محمد علی - میرزا (نویسنده خاصه) 22b  
 محمد علی - میرزا (خلف میرزا محمدرضا) 13a  
 محمد علی - میرزا (ولد عالیجاه متولی) 23b  
 محمد علی ضابطه نویس - میرزا 11b  
 محمدرضا - میرزا 13a  
 محمد علی - آقا (ولد ملا خدای ویردی اردبیلی) 24b  
 محمد علی - میرزا (ولد میرزا سراجا) 20b  
 محمد علی - میرزا (ولد میرزا محمد کاظم) 22b  
 محمد علی - میرزا (ولد میرزا نورای) 14b  
 محمد علی نصر آبادی - میرزا 15b  
 محمد قاسم شادی شاه - ملا 4b  
 محمد قاسم بیگ قاجار 23a



## اقوام

- استجلو 14a  
تبارزه عباس آباد 12a  
شاملو 24b  
قاجار 23a, 20a

## کتابها

- تاریخ سلطانی 24a, 21b  
شرح کافی - ملاخلیل 10b, 9b  
کلام الله 15a  
مکاتیب سلطانی 14b  
هشت بهشت 21b

## کتابها

- کتابه درب مدرسه حاجی قرچغای  
بیگ واقع در بازار صباغان 14a  
کتابه درب نقره مسجد کبیر عباسی 13b  
کتابه مسجد آقانور واقع در محله  
درب دشت هند 13b  
کتابه درب مسجد حکیم داود 14a  
کتابه درب مدرسه واقع در چهارسوق  
محله بیدآباد 20b

## جایها

- ارسین 22b  
استرآباد 24b  
اسفیدان 16a  
اصفهان 12a, 11b, 10b, 10a, 9a, 6a  
اورنگ آباد (هند) 14a  
ایران 10a  
ایروان 20a, 11a  
بازار صباغان 14a  
بغداد 3a  
بین الحرمین 14b  
تبریز 5a, 3a  
تفرش 25a  
توپخانه مبارکه 20a, 15a  
حلب 6a, 5b  
حیدرآباد 12b  
خراسان 6a, 4b, 3a  
دکن 12b  
رام کوه 25a, 23b, 21b  
رشت 21b

روم 5b

شیراز 11b  
شیروان 22b, 20b  
طوقچی 6b

عباس آباد (اصفهان) 15b, 12b, 12a

عراق 6a

عراق عجم 3a

فارس 22b

فسا 20a

قزوین 10b, 10a, 9b, 9a, 8a, 6a, 5b, 5a

قندهار 22b

کرمانشاهان 21a

کشمیر 9b

کوه کیلویه 24a, 22a

لار 12a

لاهیجان 20b, 9b

مازندران 21a, 20b

محله بیدآباد 20b

محله درب دشت هند 13b

مدرسه حاجی قرچغای بیگ 14b

مدرسه واقع در چهارسوق محله بیدآباد 20b

مرو 14a

مزار بابا رکن الدین 13a, 10b

مزار خارج درب طوقچی 6b

مزارستی فاطمه عباس آباد (اصفهان) 15b

مسجد آقانور 13b

مسجد حکیم داود 14a

مسجد کبیر عباسی 13b

مسجد ثنبان (اصفهان) 11a

مشهد 13b

نخجوان 22b

نطنز 24a

نور 25a

ولایت درون 24b

هرات 13b, 6a, 4a

هند 15b, 14a, 12b, 11b, 10a, 9b, 9a

هندوستان 12a, 10a, 5a

## مشاغل و مناصب

امیر آخورباشی 20b

امیرشکارباشی 20b

بیگلربیگی ایروان 20a, 11a

بیگلربیگی هرات 13b

بیگلربیگی مرو 14a

بیگلربیگی شیروان 20b

حاکم فسا 20a

حاکم کرمانشاهان 21a

حکاک 25a

حکیم باشی 24a, 20b

خطاط 1b

خوشنویس (اغلب صفحات)

دوات دار نقوش خاتم سلطانی 32a

رقم نویس 23b, 22a

رنگه نویس 5b

سرخط نویس 23b, 21a

شاهنامه خوانی 9b

صاحب خدمت 12b

صدر (سابق) 13b

ضابطه نویس 14b, 11b

طیب 22a

عمله کتابخانه 24b, 9a

قاپوچی شاملو 24b

قاضی 13b

قاضی اصفهان 13b

قورچی باشی قاجار 20a

قوللر آقاسی 22a

کاتب 24b, 12b, 9a, 2a, 22a

کتابدار 15b, 12a

کلانتر دارالسلطنه اصفهان 21b

متولی 23b

متولی روضه رضویه 20b

مجلس نویس 14b

مستوفی اصفهان 24a

مستوفی الممالک 20b, 20a

مستوفی باقی 22b, 14b

مستوفی خاصه 23b

مستوفی رام کوه 23b

مستوفی سرکار خاصه شریفه 21a

مستوفی قورچی 21b

مستوفی لاهیجان 20b

مستوفی موقوفات ممالک محروسه 22a

مشرف طویل 22b

منجم 24a

ملازم کتابخانه 14b, 13a, 11a, 10b, 10a

منشی 22b

نامه نویس 13b

ناظر دفترخانه 21a

ناظر دواب 22a

نسخ نویس 16b

نقاش 25b, 15a

نقیب الاشراف دارالسلطنه اصفهان 23a

نویسنده اوارجه فارس 22b

نویسنده خاصه 22b

نویسنده ضابطه 25a, 24a, 21b, 20b

نویسنده قورچی 20a, 21b

واقع نویس 24b, 14b, 10b

وزیر ارسین 22b

وزیر استرآباد 24b

وزیر امیرشکارباشی 22b

وزیر توپخانه 23b

وزیر توپخانه مبارکه 20a, 15b

وزیر حلال 24a

وزیر رام کوه 25a, 21b

وزیر رشت 21b

وزیر شیروان 22b

وزیر کوه کیلویه 22a

وزیر قندهار 22b

وزیر قورچی 20b

وزیر قیچاچی خانه 24a

وزیر مازندران 21a, 20b

وزیر معیر الممالک 22b

وزیر موقوفات 21a, 10b

وزیر نخجوان 22b

وزیر وقف 11b

هزاری منصب 17b

## لغات و اصطلاحات فن خط

آشنا نوشتن به کسی 7b

استاد (اغلب صفحات)

استادی 11a, 10b, 8a

اقلام سبعة 4a

بد نویسی 20a

برهنه نویس 11a

به اندام (صفت خط) 23b, 23a, 10b

به رتبه (صفت خط) 21a

به صفا (صفت خط) 21a, 15a, 14b

11a, 25a, 23a

به قدرت (صفت خط) 14b, 11b

8b, 5a, 25a, 23a



قلم مو 2a	زرنشان سازی 15a	خط ثلث ← ثلث 23a, 4b	بهمزه (صفت خط) (اغلب صفحات)
قلم نباتی 2a	زرین رقم 13a	خط حمیری 2b	25a, 23a, 8b, 5a
کاتب 24b, 12b, 9a, 2a	سرعت قلم 16a	خط رقاع ← رقاع	پرزور (صفت خط، کاتب) 25a, 14a, 8b
کاتب سرآمد 16a	سرمشق 9a	خط رومی 2b	پرزور نوشتن 24a, 8b
کتاب 1b	سرمشق گرفتن 21b	خط ریحان 3a	پرزور نویس 8b
کتابت 24b, 24a, 20a, 15a, 9a, 5a, 4b	سطر 21b	خط سریانی 2b	پرگوش (صفت خط) 8b
کتابت کردن 9b	شاگرد (اغلب صفحات)	خط شکسته ← شکسته 2b	تألیف 21b
کتابخانه 13a, 11a, 10b, 10a, 9a	شاگرد رشید 12a, 11a, 4a	خط صینی 2b	تحریر 21b, 14b, 4b
24b, 14b	شبه نوشتن به کسی 8b, 8a	خط عبری 2b	تحصیل خط 19b
کتابدار 15b, 12a	شکسته 21a, 20b, 15b, 13b, 4a	خط فارسی 2b	تذهیب 15b
کتابداری 7a	شکسته تعلیق 3b	خط قبلی 2b	ترکیب بندی 13b
کتابه 20b, 14a, 13b	شکسته نستعلیق 15b, 4a	خط کوفی ← کوفی 23a, 4b	تعلّم 10b
کثرت مشق 14a, 8b, 8a	شیرین (صفت خط) 14a, 12b	خط محقق ← محقق	تعلیق 23a, 4b, 3b
کلک 10b	10b, 22b, 20b	خط مسطر 10b	تعلیم 10b
کم مشق 23a	شیرین لیمی 8a	خط معقلی 2b	تعلیم خط 16b
کوفی 23a, 2b	شیرین کاری 13a	خط نستعلیق ← نستعلیق	تعلیم کردن 3a
گداخته (صفت خط) 12a	شیرین نوشتن 12b	خط نسخ ← نسخ	تعلیم گرفتن 21b, 16b, 13a, 10a
گداز خط 13b	شیرین نویس 10a	خط هندی 2b	تند (صفت خط) 10b
مجتهد خط 14a	شیرینی (صفت خط) 5a	خطوط 15b, 15a, 6a, 5b, 5a, 2b, 1b	تند نوشتن (صفت خط) 23a, 15b
محقق 3a	صاحب خط 16b	23a	تندی (صفت خط) 5a
مرقوم 9b, 2b	صاحب رقم 15a	خفی 24b, 24a, 15a	توقیع 3a
مزه (صفت خط) 8b	صاف (صفت خط) 25a	خوش کتابت 12b	تیزی (صفت خط) 5a
مشاق 20a	صاف نوشتن 25a	خوش مشق 12a	ثلث 15b, 3a, 2b
مشق (اغلب صفحات)	صفای اصلاح 15a, 11b	خوش نوشتن (اغلب صفحات)	جدول 17b
مشق فرمودن 21b, 21a	صفای قلم 15b, 13b, 10a, 7a	خوش نویس (اغلب صفحات)	جلد نوشتن 16a
مشق کردن (اغلب صفحات)	23b, 20a, 16a	خوش نویسی (اغلب صفحات)	جلی 24b, 24a, 20a, 15a
مطبوع (صفت خط) 8b	صفحه 13a, 10b	خوش نویس به رتبه 14b	چسبان (صفت خط) 14b, 10b, 10a
منشور 17a	صفحه مشق 19b	خوش نویس حسابی 20b, 19b	25a, 23b
نازک (صفت خط) 15b, 8b, 4b	صورت خط 10a	خوش نویس سرآمد 23b, 16a, 12b	چسبانده ورق سمرقندی 8a
نازک نویس 11b	طراوت (صفت خط) 11b	خوش نویس مسلم 11b	چسبان نویس 10a, 8b, 5a
نراکت قلم 11b	طور 20a, 21a, 16a, 15b, 10b, 10a	درست (صفت خط، مقابل شکسته)	چهارمصراع 13b
نسخ 15b	فن 20a, 11a, 8a, 6b, 4a, 20b	24b, 20b	چهارمصراع نویسی 23a
نستعلیق (اغلب صفحات)	فنون خط 25a	دفترخانه 21a	حسن خط 16b, 10a, 9a
نسخ (اغلب صفحات)	قدرت (صفت کاتب) 14a, 8b, 8a	دلربا (صفت خط) 23a	حکاک 25a
نسخ نویس 16b	7a, 20b, 20b, 15b	راقم 2a	خامه 13a
نقل خط 23a, 15a	قدرت قلم 20b, 14a, 10b, 8b	رباینده (صفت خط) 11b	خط (اغلب صفحات)
نقاش 25b, 15a	قطعه 9a, 7a, 6a, 5b, 5a, 17a, 10a	رقاع 3a	خطاط 1b
نوشتن (اغلب صفحات)	قطعه نگاشتن 20a	رقم 9b	خطاطی 11a
نوشته جات 17a	قلم 23a, 19b, 16b, 10b, 5a, 23b	رقم نوشتن 22a	خط اندلیسی 2b
هم مشق 13a	قلم تند 11a	رنگه نویس 5b	خط بربری 2b
هنرمند 17b	قلم خفی 8a	زبردست (صفت کاتب) 22b	خط تعلیق ← تعلیق
*	قلم دودانگه 23a, 12b, 8a	زبردستی 11a	خط توقیع ← توقیع 23a, 4b



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْخَطَّ بَصْفَ الْعِلْمِ وَالصَّلَاةَ عَلَيَّ سَبْدًا  
 رُسُلِهِ مَعَدَّةَ الْعِلْمِ وَالْحَمْدُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ وَوَجْهَهُ وَأَوْلَادِهِ  
 الْمُعْتَصِمِينَ هُمْ مَرُوضِدٌ وَإِرَاهِلُ الْإِيْقَانِ وَالسَّلَامُ  
 وَبَعْدُ جَوْنٌ دَرِابُوقْتِ بَعْضِي إِزْخَادِيْمِ كِرَامِ بَكَا  
 اِيَاكَ فِقِيرٌ جَفِيْرٌ خَالِكُ اسْرٍ اِحْفَرُ كِتَابِ مُحَمَّدٍ صَالِحِ بْنِ اَبِي  
 تَرَابٍ الرَّطْلَاعِيِّ بِرِجْلِي نَمِيْ خَطْبِيْمُ سَيِّدِيْ خَطُوْطِ وَخَطَا  
 هِرْزِيَانِ يَبِاشِدُ خَوَاشِ اِيْرُ فَرُوْدِيْنْدِكُ نَدْرُكُهُ بِرَاوِيَا  
 خَطُوْطِ وَاِحْوَالِ خَوْشِ نُوِيْسَانِ دَرِ سَلَكِ غَمْرِ دَرِ اَرُوْشِ  
 بِنَابَرِ اِيْنْفَارِ فَرِيَانِ وَاقْتِنَالِ وَاِمْرَالِ اَفْرَانِ ذِيْنِ اِيْنْبِيَا  
 اِيْحْدَا اِيْنْفِرَابِ كِه مَسْمُوْعِ اِيْنِ بِيْ بِيْضَاعَتِ شَدُّ بُوْدِ دَرِ  
 مَقَامِ شَيْقَانِ دَرِ اِيْدِه بَعْرُ عَرَضِ بِيْرَسَانِدِكُ كِه قَلَمِ بُوْدِ

انادت پناه مولانا محمد نجم قصبای اصفهانی مخفی و جلی را خود بنویسد  
 و مشغول کتابت تاریخ سلطانی است. میرزا سعید ولد میرزا قاسم از  
 سادات ایلخانان خوش نویس و کتابت مشغول است. میرزا امجد ولد  
 محمد میرزا سراجان بن سید صاحب طبع و بیوفاید و فصاحت شقی دران  
 اما اسمعیل ولد شیخ عزیز اصفهانی خود بنویسد. میرزا عبد الوهاب  
 ولد میرزا بوز تراب مشغول بنویسند حال حاضر است.  
 صفحه ۵۱ خط مجموع نقاشی است ۲۵۶

بناخ بیست و پنجم فروردین ماه  
 مطابق هجدهم ذیحجه الحرام  
 کاتب تذکره الخطاطین با نظام  
 آن با نام سید محمد علی

میرزا ابو الفتح گلستانه خوش نویس است اما مشغول  
 اعمال دیوانیست ملا اسمعیل الموسوی بنویسد ملا  
 محمد تقی ولد ملا محمد جعفر اصفهانی خوش بنویسد سید  
 زاده میرزا محمد بابا در دیگرش محمد جعفر هر دو شکیلی  
 میکنند چون یعقوب است که اسم ایشان در این تذکره  
 باشد لهذا اسم ایشانرا نوشت تا خطی بهم رسانند میرزا  
 رشید عباس آبادی نقاشی است خوش بنویسد  
 و این جعفر نیز شکسته و نعلیق و نسخ را بدین بنویسم  
 تمام شد کتاب تذکره الخطاطین

در تاریخ بیستم فروردین ۱۲۱۲  
 مطابق با سیزدهم ذیحجه الحرام

تکلیف از سید علی

محمد علی

تذکره احوال نقاشان

اما نقاشان هند و صومعه و عجم و اعرابند از آن  
 است که بحر فدا ما هر به مثل اند و نقاشان عربی  
 بهر اهل و اما میرزا اصفهانی و اعراب و عباس و اما  
 معبر است کرد او را که شلم زیادتی زند و بحرکت بسیار  
 و فرنگی سازان ایضا اولی علی فلی بیک جناب است  
 است که نقاشان فرنگ و هند در پیش او عجمی بنویسد  
 و اما در نقاشی جنبه نماید محمد بیک بدین شرح هم نقاش  
 خوبی است فرنگی ساز است بعد از علی فلی بیک عجم  
 اما در تاریخ است او هم فلش مرکب بطور هند و  
 فرنگ است اما نظر خود نداشته حاج محمد برادرش  
 با او در نقاشی است حاج جعفر اصفهانی هم نقاش  
 و فرنگی ساز به مثل است میرزا رشید عباس  
 آبادی نظر ندارد و سراجان نیز نقاش و منفرد  
 عصر بود که کاظم خان اصفهانی او کم از سراجان

نمونه صفحات رساله «تذکره الخطاطین» (تهران، مجموعه خانوادگی شادروان عبدالله فردی).